

در گفت و گو با محمدرضا کلاهی

ارزیابی نقد کتاب در حوزه علوم انسانی



محمدرضا کلاهی، عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. تحقیق در حوزه اخلاقیات و جامعه‌شناسی دینی از حوزه‌های مورد علاقه کلاهی است که آن را دنبال می‌کند. با وی درباره نقد کتاب‌ها در حوزه علوم انسانی و مشکلاتی که گریبانگیر آثار منتشر شده در این حوزه است، گفت‌وگویی کرده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

یکی از مسائلی که در حوزه علوم انسانی و ناظر به رشته شما جامعه‌شناسی به چشم می‌خورد، این است که گفت‌وگو و نقد کتاب در این حوزه شکل نگرفته است. ارزیابی شما از این موضوع و دلایل آن چیست؟
کمتر در جامعه علمی درباره آثار گفت‌وگو شکل می‌گیرد و متأسفانه متفکران، صاحب‌نظران و حتی دانشجویان آثار یکدیگر را نمی‌خوانند و به آن ارجاعی نمی‌دهند. این در حالی است که در خارج از کشور زمانی که قرار است یک مقاله علمی و پژوهشی در یک مجله معتبر دانشگاهی منتشر شود در بخش مقدمه و نظریه باید حتماً پژوهشگر به این مسئله پردازد که دیگران درباره تحقیق او چه گفتند. بنابراین اگر به‌طور مثال نویسنده‌ای درباره مکتبیک کار کرده باشد باید در بخش مقدمه اثر خود به تمامی تحقیقاتی که درباره آن موضوع در جامعه مکتبیک انجام شده ارجاع دهد و مشخص کند که تفاوت مقاله یا کتاب او با آثار دیگر در چیست و او اساساً در این نسبت قرار است به چه نکته جدیدی پردازد. اما شما وقتی در ایران به سراغ موضوعی می‌روید به‌طور مثال هویت فرهنگی اساساً مشاهده نمی‌کنید که پژوهشگر به این موضوع پرداخته باشد که سایر دانشگاهیان و صاحب‌نظران درباره هویت فرهنگی چه گفتند بنابراین ما در تحقیقات مان این بخش را کنار می‌گذاریم

و مستقیم به سراغ نظریه می‌رویم در حالی که این موضوع مهم‌تر است و فرد باید جای خود را در اجتماع علمی مشخص کند و بگوید درباره چه موضوعی گفت‌وگو می‌کند و در آن جامعه علمی چه کسانی درباره این موضوع گفت‌وگو کردند.

پس در این دعوی علمی باید جای محقق و پژوهشگر مشخص شود، از همین منظر است که بیان مسئله در تحقیق به معنای تعیین محل نزاع است. اینکه بدانیم دعوی علمی بر سر چیست و تفاوت تحقیق جدید با سایر تحقیقات پیشین در چه چیزی بوده است. این بخشی است که در پژوهش‌های علمی ما حذف شده و نیاز به بازنگری دارد. البته اینکه چرا این موضوع اتفاق افتاده نیازمند تحلیل دلایل است که خود در پژوهشی جداگانه می‌تواند با این وجود باید بگویم وقتی صورت مسئله روشن شود بسیاری از مسائل مان حل خواهد شد.

در اغلب کتاب‌های ما ارجاعات به منابع خارجی است چون ما به خواندن آثار یکدیگر و نقد آنها عادت نداریم.

بله، امروز گاهی تحت تأثیر مد روز محقق تنها به دنبال ارجاع دادن به منابع خارجی است و به تحقیقات و کتاب‌های داخلی اهمیتی نمی‌دهد این موضوع تا آنجا پیش رفته که شاید هر یک از ما وقتی می‌خواهیم مقاله‌ای را بررسی کنیم به بخش ارجاعات انگلیسی نگاه می‌کنیم و اگر تعدادمان کم بود مقاله را شایسته مطالعه نمی‌دانیم. در حالی که وقتی شما درباره طلاق در ایران می‌خواهید تحقیق انجام دهید طبیعی است که باید پیشینه تحقیقات و کتاب‌های این حوزه را در ایران بررسی کنید و اساساً بررسی دلایل طلاق در خارج از کشور چندان به کار ما نمی‌آید.

این موضوع باعث شده که مولفان آثار یکدیگر را نخوانند و به یکدیگر ارجاع ندهند و به جای اینکه با افراد فعال در زمینه خود گفت‌وگو کنند دایماً به فکر گفت‌وگوی تخیلی با متفکران خارجی هستند، چون اساساً گفت‌وگوی واقعی بین ما و متفکران خارجی در بررسی مسائل داخلی وجود ندارد آنها مسئله ما را نمی‌خوانند و اساساً پاسخی هم به مسئله ما نمی‌توانند داشته باشند. گفت‌وگو اینجا صرفاً یک اقدام فانتزی و تخیلی است. به همین دلیل است که بسیاری از آثاری که در ایران تولید و نقد می‌شود ایزوله و متفک از متن می‌شود چرا که نمی‌تواند نسبت خود را با

واقعیت اجتماعی برقرار کند و همین موضوع امکان‌ناپذیری گفت‌وگو را تشدید می‌کند. شما وقتی به جامعه علمی خود گفت‌وگو نکردید از زمینه جدا و ایزوله می‌شوید و نمی‌توانید با سایر متفکران گفت‌وگو کنید. نویسندگان دیگری هم که آثار شما را می‌خوانند سعی می‌کنند به دنبال مسائل واقعی باشند اما عملاً در عالمی تخیلی سیر می‌کنند و همین موضوع چرخه را بدتر خواهد کرد. با همه اینها حتی در این موضوع هم وضعیت ما نسبت به گذشته بهتر شده است. امروز حول محور استادان چون کاتوزیان، آبراهامیان و... نقد و بررسی صورت می‌گیرد. در حوزه عام علوم انسانی به‌طور مثال این روزها گفت‌وگوی شدیدی بر سر نقد و بررسی آثار و افکار سیدجواد طباطبایی مطرح است و بنابراین با محوریت استادانی چون سروش و ملکیان گفت‌وگو در جریان است. اما مشکلاتی هم وجود دارد که به کمیت آثار برمی‌گردد هرچه کمیت بیشتر باشد طبیعی است که ایرادها هم افزایش پیدا می‌کند. امروز شبکه عام اعضای هیات علمی باید تلاش کند که در شکل‌گیری گفت‌وگوهای خود به یکدیگر ارجاع دهند و کمتر گفت‌وگو با خارج را مدنظر قرار دهند.

می‌توان سنت آکادمیک خارج از کشور را مد نظر قرار داد؟

همین‌طور است! باید سنت آکادمیک خارج از کشور را الگوی خود قرار بدهیم در آنجا محل نزاع در تحقیقات و نسبت نویسنده با موضوع اثر مشخص است. ما نیز اگر به سنت‌های آکادمیک جهانی آشنا شویم می‌توانیم روندها را اصلاح کنیم اگر بخواهیم اثرمان را در حد جهانی معرفی کنیم مجبوریم که استانداردهای جهانی را رعایت کنیم البته تاکنون تلاش‌هایی هم صورت گرفته و به‌طور مثال اجبار دانشگاهیان به رعایت ISI یکی از راهکارهای اصلاح این فرایند است، هرچند که این موضوع نیز آفت‌هایی داشته و بسیاری از استانداردهای آن در ایران به صورت صوری رعایت می‌شود. در نهایت باید گفت باز هم مطابق با حجم تولید آثار از هر صد مقاله اگر ۸۰ مقاله هم صوری نوشته شود اما باز ۲۰ مقاله با کیفیت و استاندارد جهانی تولید می‌شود که حجم آن در مقایسه با گذشته قابل‌پیش‌بینی نیست.



گفت‌وگو

مسایل و مشکلات ترجمه در حوزه علوم انسانی به‌ویژه ناظر به رشته شما جامعه‌شناسی چیست؟

در این حوزه باید به مسایل تالیف و ترجمه در دو بخش مجزا پردازیم؛ مشکلات این دو با هم متفاوت است البته درباره مشکلات ترجمه زیاد صحبت شده، اما به طور کلی وضعیت ترجمه در حوزه علوم انسانی به صورت عام و در حوزه جامعه‌شناسی به صورت خاص اصلاً خوب نیست. در جلسه‌ای با استاد ملکیان بودیم ایشان تعبیری درباره ترجمه داشتند و می‌گفتند بسیاری از این ترجمه‌ها جهل بسیط ما را به جهل مرکب تبدیل می‌کنند چون گاهی ما دانشمند و متفکری را نمی‌شناسیم و به این موضوع هم اذعان می‌کنیم که آن را نمی‌شناسیم. اما گاهی یک ترجمه از آن می‌خوانیم و از آن چیزی نمی‌فهمیم چون مقصود نویسنده را منتقل نکرده است بنابراین باز هم آن متفکر را نمی‌شناسیم. ولی چون یک اثر از آن را خواندیم فکر می‌کنیم آن را می‌شناسیم در حالی که ما نسبت به آن هیچ شناختی نداریم و این همان جهل مرکب است! مترجمان خوبی که وجود دارند در حوزه علوم انسانی بیشتر در حوزه فلسفه دیده می‌شوند در حوزه جامعه‌شناسی تعداد ترجمه‌های خوب بسیار کم است. در سال‌های اخیر به صورت کلی خیلی باب شده اکنون دانشجویان فارغ‌التحصیل دکتری و اعضای هیئت علمی تعدادشان بیشتر شده و این‌ها برای این که اثری از خودشان داشته باشند شروع به ترجمه کردند.

پس با گسترش بوروکراسی دانشگاه، این سازمان عریض و طویل شده و اعضای هیئت علمی و دانشجوی بیشتری گرفته و این افراد نیاز دارند اثری داشته باشند تا با توسط آن ارتقای علمی پیدا کنند و یا اینکه جایگاه اجتماعی، شهرت و ... داشته باشند. این موضوع از دو طریق کیفیت ترجمه را پایین آورده است؛ یعنی خود کیفیت ترجمه خوب نیست و مترجم چون زبان مبدا و مقصد را به خوبی نمی‌شناسد نمی‌تواند ترجمه خوبی داشته باشد. از سوی دیگر آثار مناسبی برای ترجمه اصلاً انتخاب نمی‌شود و آثار دست‌چندم ترجمه می‌شود در حالی که در خارج از کشور اصلاً این کتاب‌ها بازاری ندارند.

به نظر می‌آید که ناشران خصوصی در علوم انسانی فروش بهتری دارند.

در بازار نشر آگاه، طرح نو، ققنوس و ... بهتر می‌فروشند تا انتشارات دانشگاه تهران! حتی کیفیت طراحی جلد و صفحه‌آرایی و ... این ناشران خصوصی هم به مراتب بهتر از انتشارات دانشگاه تهران است. بسیاری از استادان و متفکران ما اگرچه دارند از اینکه اثرشان توسط یک ناشر دولتی چاپ شود چون کیفیت چاپ و نشر ناشران خصوصی بهتر است و آثار بهتر دیده می‌شود. یکی دیگر از مشکلات ناشران دولتی مشکل توزیع است. کتاب‌ها چون توزیع نامناسبی دارند دیده نمی‌شوند پس فقط بحث کیفیت محتوا نیست بلکه بحث به جریان افتادن آن کتاب در جامعه علمی، چگونه خواندنش و ... هم مطرح می‌شود. اثری وقتی دیده نشود با نوشته نشدنش تفاوتی ندارد! امروز ممکن است تالیف‌ها ۱۰ برابر شده اما کیفیت پایین است.

شما وقتی می‌خواهید به چیزی رونق دهید باید اجازه دهید افراد سخنانشان را بیان کنند. البته ممکن است از حرف‌ها فقط چند درصدش مفید باشد اما به هر حال یک راه این است که ما جلوی سخن گفتن را بگیریم و اجازه ندهیم کسی حرف بزند که در این حالت حرف‌های خوب ممکن است در روند فیلترینگ از بین برود. گاهی برخی از نویسنده‌ها ناشناخته هستند و به همین دلیل ناشران خصوصی حاضر به چاپ آثار آن‌ها نیستند در اینجا ناشر دولتی می‌تواند حمایتی از این نویسنده‌ها داشته باشد.

پس در مجموعه نگاهتان نسبت به وضعیت کتاب‌های علوم انسانی منفی نیست!

امروز حجم آثاری که تولید می‌شود بسیار زیاد است و درست است که از این میان تنها ۲۰ درصد آثار مفید است اما باز هم این تعداد کتاب در مقایسه با ۸۰ درصد آثار مفید سال‌های پیشین باز هم بیشتر است. پس در مجموع آثار خوب بیشتری تولید می‌شود. ۳۰ پیش ما در علوم اجتماعی، فلسفه و ... اثری نداریم ولی اکنون شما سیل عظیم آثار را مشاهده می‌کنید که همین حالا می‌توان با یک نگاه سردستی از آن‌ها نام برد و حتی قابل

شمارش نیست. پس همه ابعاد منفی نبوده است. هر چند وقتی می‌خواهیم رونقی ایجاد کنیم ریزشی هم داریم و این هزینه آموزش عالی است. شما هر چقدر دایره را تنگ‌تر کنید ممکن است کیفیت بهتر شود اما در نهایت این میزان نخبه‌گرایی باعث می‌شود که فرد بیشتر از این نتواند سخن بگوید. چه بسا ممکن است فساد هم در اینجا وجود داشته باشد و حلقه‌ای هم این را در انحصار خود بگیرند اما این بودجه‌های دولتی که در بوروکراسی دانشگاهی توزیع می‌شود، فضایی را ایجاد کرده که افراد بتوانند حرف خود را بزنند.

وقتی شما بتوانید بگویید و بنویسید در مکانیسم گردش آثار در اجتماع علمی، کتاب‌ها غربال می‌شود، در واقع فیلتر اصلی اینجا رخ می‌دهد و اثری که خوب باشد راه خودش را پیدا می‌کند در مقابل هم آثار ضعیف از رده خارج شده و فراموش می‌شوند. بنابراین این جنبه مثبت نباید نادیده گرفته شود. نقدها در این باره باید مطرح کرد اما اینکه بگوییم وضعیت بدتر شده نیازمند احتیاط بیشتری است چرا که نسبت به گذشته چه‌بسا وضعیت بهتر شده و شاخص‌ها نسبت به ۴۰ سال پیش رشد در این زمینه را نشان می‌دهد. امروز اگر دانشجویی بخواهد کار تحقیقی انجام دهد می‌تواند به حجم عظیمی از مقالات و کتاب‌ها به زبان فارسی دسترسی داشته باشد و پس از آن به سراغ منابع انگلیسی برود این در حالی است که در گذشته به‌طور مثال در حوزه فلسفه تنها منبع ما به زبان فارسی کتاب «سیر حکمت در اروپا» محمدعلی فروغی بود. اما امروز حجم آثار بسیار بیشتر شده و البته در این میان آثاری کیفیت هم وجود دارد که به‌صورت طبیعی از رده خارج می‌شود، بنابراین همین چیزی که از آثار به زبان فارسی باقی مانده و قابل ارجاع است چندین ده برابر آثاری است که در گذشته وجود داشته است.

علاقه‌مندان می‌توانند متن کامل این گفت‌وگو را در سایت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم مطالعه کنند.



در گفت‌وگو با فیروزه اصغری

بین‌المللی سازی آموزش عالی با سیاست فعلی به نتایج ناامیدکننده دست می‌یابد



فعالیت‌های بین‌المللی را نشان می‌دهد. در واقع این بخش در تلاش برای شفاف ساختن پاسخ به این پرسش است که آموزش عالی ایران در کجا قرار دارد.

بخش دوم این فصل به ارائه شمایی از نهادها و سازمان‌های درگیر در حوزه بین‌المللی سازی آموزش عالی می‌پردازد و خواننده را به اختصار با اهداف، وظایف و فعالیت‌های آنها آشنا می‌سازد. این بخش تلاش می‌کند تا اطلاعات پراکنده از فعالیت دستگاه‌های مختلف را به صورت یک نمای منسجم و شفاف به خواننده ارائه دهد.

منظورتان از رویکرد سیاستگذاری در بین‌المللی سازی چیست؟

زمانی که پژوهش درباره بین‌المللی سازی را شروع کردم، در مواجهه با تجربیات بین‌المللی دانشگاه‌های ایران در دهه‌های قبل و آشنایی با چالش‌های فعلی آن، پرسشی برای من مطرح شد اینکه فعالیت‌های بین‌المللی کنونی با فعالیت‌های قبلی چه تفاوتی دارد؟ و اینکه چه ویژگی تضمین‌کننده موفقیت و تحقق بین‌المللی سازی در دهه حاضر است؟ رفت و آمدهای بین دانشگاهی، پژوهش‌های مشترک، تبادل دانشجو، فرصت‌های مطالعاتی استادان، شرکت در کارگاه‌های آموزشی و کنگره‌ها همه مصادیق همان فعالیت‌های بین‌المللی هستند که در دهه‌های قبل نیز دانشگاهیان با آن مواجه بوده‌اند. چه چیزی و چه ویژگی می‌تواند فعالیت‌های پراکنده و غیر منسجم بین‌المللی را تبدیل فرایندی هدفمند، منظم و مستمر کند؟ دغدغه پاسخ به این پرسش پس از چند ماه مطالعه، زمانی که فصل اول و دوم کتاب را تدوین کردم من را به سمتی سوق داد که ترجیح دادم با رویکرد سیاستگذارانه به تحلیل داده‌هایم بپردازم. کمالینکه این رویکرد پاسخگوی دغدغه دیگر من درباره نظام آموزش عالی ملی نیز بوده است.

اول در این حوزه که به ترتیب تسلسل زمانی تدوین شده، آشنا شوند. علاوه بر آن مفاهیم ارائه شده در این فصل به خوانندگان برای درک فصل‌های بعدی، به ویژه فصل سوم کتاب کمک می‌کند. چون در فصل سوم کتاب به مفاهیم، دلایل، رویکردها و استراتژی‌های و چالش‌های بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران اشاره کردم. از نظر من این فصل، فصل بسیار با اهمیتی در ادبیات مربوط به بین‌المللی سازی است و البته تدوین آن هم بیشترین زمان را به خود اختصاص داد چون در این فصل تلاش شده تا بر اساس داده‌های موجود نمایی از وضعیت بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران ارائه شود. داده‌ها از لایه‌های اسناد، سخنرانی‌ها و گفتگوهای صورت گرفته جمع‌آوری و به تفکیک برای پاسخ به چستی، چرایی و چگونگی بین‌المللی سازی در ایران ارائه شد. بنظر می‌رسد این بخش پرکننده شکاف ادبیاتی است که تاکنون به صورت منسجم و با شفافیت درباره آن مطلبی منتشر نشده است.

شما بخشی از کتاب را درباره فعالیت‌های فعلی بین‌المللی سازی به ویژه طی سال‌های اخیر اختصاص دادید. می‌توانید بیشتر در این باره توضیح دهید.

فصل دوم کتاب دارای دو بخش بسیار مهم است؛ بخش اول به نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر فعالیت‌های بین‌المللی اختصاص دارد. این بخش که در واقع برگرفته از مقاله من در یک مجموعه مقاله در حال چاپ به ویراستاری خانم جین نایت است، به خواننده کمک می‌کند تا با وضعیت فعلی آموزش عالی ایران آشنا شود. در این فصل به اختصار، ضمن اعلام آمار دانشجویان ایرانی و خارجی در دانشگاه‌ها، ملیت دانشجویان خارجی، مقطع تحصیلی و دیگر اطلاعات مرتبط، جایگاه دانشگاه‌های ایران در رتبه بندی‌های جهانی با تأکید بر شاخص فعالیت‌های بین‌المللی ارائه شده است. این بخش جایگاه آموزش عالی ایران در مقایسه با دیگر کشورها و رتبه دانشگاه‌های برتر ایرانی در شاخص

کتاب «درآمدی بر بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران»، عنوان جدیدترین اثر فیروزه اصغری عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که به تازگی روانه بازار نشر شده است. او در این کتاب بیان می‌کند که اگر بی‌سیاستی و بی‌برنامگی که در افزایش کمی دانشگاه‌ها با آن مواجه بوده‌ایم همچنان در پذیرش دانشجوی خارجی ادامه پیدا کند در این صورت نه تنها مشکل‌مان را در سطح آموزش عالی ملی حل نکرده‌ایم بلکه آن را به منطقه و سطح بین‌الملل هم گسترش داده‌ایم. درباره این کتاب با وی گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

ضرورت تألیف کتاب «درآمدی بر بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران» چه بوده است؟

هدف اصلی از تألیف این کتاب ارائه شمایی از بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران با تأکید بر چستی، چرایی و چگونگی آن بوده است. مطالب کتاب ضمن کمک به تکمیل ادبیاتی که تاکنون در باره بین‌المللی سازی از سوی محققان و نویسندگان ایرانی تدوین شده، می‌تواند پیشینه‌ای قابل اتکا برای محققانی باشد که در آینده در این حوزه، پژوهش می‌کنند. کمالینکه مطالب کتاب به ویژه فصل نهایی آن با عنوان بین‌المللی سازی با رویکرد سیاستگذاری، توجه تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان را به نکاتی مهم در چگونگی دستیابی به اجرای موفق برنامه جلب می‌کند.

لطفاً توضیحاتی درباره کلیات کتاب برای آشنایی خوانندگان با محتوای آن ارائه کنید.

در فصل اول کتاب سعی کردم به طور مختصر به مفاهیم، دلایل، رویکردها، استراتژی‌ها و چالش‌های بین‌المللی سازی آموزش عالی را براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران اصلی در این حوزه بپردازم. مفاهیمی که علاقه‌مندان حوزه بین‌المللی سازی کم و بیش با آن آشنا هستند. البته تلاش کردم مطالب به گونه‌ای مطرح شود که خوانندگان ضمن آگاهی از سیر مفهومی بین‌المللی سازی آموزش عالی در جهان، با آثار صاحب‌نظران اصلی و دست



بلکه بدلیل عدم ثبت و دسته‌بندی اطلاعات بوده است. این مشکل همیشگی ما در عدم تمایل به مستند سازی ضمنی از بین بردن اطلاعات با اهمیت، حذف مداوم بخشی از تاریخ فعالیت‌ها را بدلیل دارد که فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها یکی از این موارد است. به همین دلیل همیشه و در همه موارد ما با اطلاعاتی مواجه هستیم که ناقص و نیمه‌کاره و در واقع قابل استفاده نیست.

در تکمیل ادبیات این حوزه آثار دیگری نیز در دست انتشار دارید؟

بله. دو کتاب مجموعه مقاله در این حوزه با عناوین «تجربه بین‌المللی دانشگاهیان ایرانی» و «سیاست زبانی در بین‌المللی سازی آموزش عالی ایران» در دست انتشار داریم که حاصل فعالیت‌های انجام شده ذیل «میز تخصصی بین‌المللی سازی» در پژوهشکده است که به ابتکار حسین میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در پژوهشکده راه‌اندازی و از طریق همکاری با دانشگاهیان از دانشگاه‌های مختلف ایران با اختصاص بودجه‌ای به سفارش مقالات مرتبط در این حوزه اقدام شده است. امیدوار هستیم این دو کتاب در کنار آثار دیگری که در این حوزه توسط پژوهشکده در حال انتشار است به غنی‌تر شدن ادبیات بین‌المللی سازی در ایران کمک کند.

و سخن پایانی؟

در جهان امروز، گرایش و اقدام به بین‌المللی سازی آموزش عالی امری عادی و قابل تصور است. اما مهم‌تر از آن توجه به این نکته است که بین‌المللی سازی آموزش عالی به‌خودی‌خود، هدف نیست، بلکه فرایندی هدفمند، مستمر و هماهنگ به منظور تحقق اهداف تعریف‌شده در برنامه است. از این رو آنچه که بطور پیوسته باید به آن توجه کنیم، ارتقای نظام آموزش عالی ملی از طریق آموزش عالی بین‌المللی است.

دهند ولی از نظر من تفاوت اصلی این کتاب با دیگر کتاب‌ها در این است که درباره بین‌المللی سازی آموزش عالی در «ایران» نوشته شده است. من در این کتاب تلاش کردم تا باب حرف زدن درباره سیاست‌های آموزش عالی کشور خودمان را باز کنم. با استاد به هر مقدار داده‌ای که در دست داشتم. من در این کتاب به مفهوم بین‌المللی سازی، دلایل و رویکردهای آن را در ایران و به چالش‌های آن از لایلای مستندات جلسات اختصاصی و گفتگوها از زبان تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان اشاره و تحلیل خودم را در فصل انتهایی کتاب ارائه کردم.



ممکن است سیاستگذاری آن را قبول نکنند و ادعا کنند که دلایل و رویکرد ما چیزی بیشتر یا کمتر از آن چیزی بوده است که در این کتاب گفته شده است. این همان اتفاقی است که ما انتظار داریم بیفتد. زیرا در این صورت باب گفتگو بیشتر در این حوزه باز می‌شود و می‌توانیم امید داشته باشیم که اجرای این سیاست در فضای شفاف‌تر و با مشارکت گسترده‌تر محققان دانشگاهی و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی شکل بگیرد.

آیا در جریان جمع‌آوری داده‌های این کتاب که برخی از آنها از مستندات چاپ نشده است، با مشکلی هم مواجه بوده‌اید؟
برخی از داده‌ها از طریق مکاتبه رسمی با سازمان‌ها دریافت شد. البته نه به صورت کامل. البته این امر جدا از موارد معدود، نه بدلیل امتناع سازمان‌ها از ارائه اطلاعات،

می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟

تحلیل سیاست بین‌المللی با رویکرد سیاستگذاری، بدلیل پرداختن به زمینه و شرایط به دلیل زمینه‌سازی برای اجرای سیاست می‌تواند مقدمات لازم را برای بهبود شرایط و وضعیت آموزش عالی در سطح ملی مهیا کند. ما چطور می‌توانیم درباره بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران حرف بزنیم درحالی‌که وضعیت آموزش عالی در سطح ملی از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیست. به همین دلیل در بخش‌های مختلف کتاب به ویژه در فصل دوم کتاب با ارائه نمایی از وضعیت فعلی آموزش عالی بطور غیر مستقیم بر این نکته تاکید کردم که بین‌المللی سازی آموزش عالی در شرایط فعلی در صورتی که ادامه اشتباهات سیاستی آموزش عالی ملی را دنبال کند به نتایجی به مراتب ناامید کننده‌تر از وضعیت فعلی آموزش عالی دست خواهد یافت؛ یعنی اگر بی‌سیاستی و بی‌برنامگی که در افزایش کمی دانشگاه‌ها با آن مواجه بوده‌ایم همچنان در پذیرش دانشجوی خارجی ادامه پیدا کند در این صورت نه تنها مشکل مان را در سطح آموزش عالی ملی حل نکرده‌ایم بلکه آن را به منطقه و سطح بین‌الملل هم گسترش داده‌ایم.

مصادیق این موضوع چیست؟

به عنوان مثال ما انتظار داریم در اجرای سیاست بین‌المللی سازی، علاوه بر اینکه وزارت علوم و وزارت بهداشت به عنوان دو وزارتخانه ذیل نظام آموزش عالی ایران، ارتباط و همکاری تنگاتنگ‌تری با هم داشته باشند، دانشگاه‌های غیر دولتی نیز در مواردی مانند پذیرش دانشجوی خارجی و یا زدن شعبه در کشورهای خارجی طبق سیاست‌های وزارت علوم که در حال حاضر متولی اصلی در اجرای این سیاست است، هماهنگ و در قالب برنامه عمل کنند. نکته مهم دیگری که من در فصل نهمی به آن اشاره کردم تعدد سیاستگذار و تصمیم‌گیر در حوزه آموزش عالی است که تبدیل به چالش بزرگ در اجرای سیاست‌های آموزش عالی است. البته مطمئناً اینها دغدغه‌هایی است که سیاستگذاران ما به آن توجه دارند. اما در فصل نهمی کتاب تلاش کردم تا به آن به صورت پررنگ‌تری بپردازم.

این کتاب چه ویژگی دارد که آن را از آثار مشابه متفاوت می‌سازد؟

البته این پرسش را خوانندگان باید جواب

در گفت و گو با ناصرالدین علی تقویان

اشکال عمده تولیدات علمی در رشته فلسفه آموزش نگاه روانشناسی زده است



سابق احیا شود. روشنفکران جبران جهل و استبداد را در گسترش آموزش نوین و تأسیس عدالتخانه دانسته‌اند. انقلاب مشروطه نیز در اصل حاصل این دغدغه روشنفکران بود که بعدها طیفی از روحانیون به آن پیوستند.

پس علاوه بر آموزش وجه مشترک دیگر دغدغه عظمت ملی بود و همه پرسیدند چرا ما عظمت و قدرت نداریم و همه حول این محور شکل گرفتند. مساله آموزش و علم که در پی آن سه پاسخ آمد به خودی خود برای تربیت و علم نبود بلکه علم برای قدرت بود. ما علم می‌خواستیم که قوی شویم و نظام سیاسی آذاری ما پیشرفت کند. به همین دلیل است که دارالفنون تأسیس می‌شود.

پس امر سیاسی بود که مساله علم و آموزش را برای ایرانیان برجسته کرد؟

بله در ذیل این پارادایم امر سیاسی و قدرت کشاکش‌ها میان نخبگان روشنفکر و روحانیون در جریان بود. بخشی از روشنفکران برای این که جهل و خرافه را حل کنند مدارس نوین را در ایران تأسیس کردند که می‌توان به میرزا حسن رشدیه در تبریز اشاره کرد. البته اکنون نمونه‌های این مورد کم است ولی در تاریخ ما بسیار با اهمیت است کشاکش‌هایی که در نظام سنتی آموزش مکتب‌خانه‌ای دیده می‌شود بسیار مهم است؛ نخستین چالش با

راه برد که ما چرا عقب ماندیم در حالی که در گذشته تاریخ پرشکوهی داشتیم. بنابراین پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شد از سوی نخبگان صورت گرفت که در سه بخش قابل تقسیم است؛ یکی نخبگان نظامی و سیاسی مانند عباس میرزا که فرمانده بود و دسته دوم و سوم هم روحانیون و روشنفکران بودند که مراداتی با اروپاییان داشتند.

پاسخ نخبگان نظامی و سیاسی این بود که ما مجهز به دانش نظامی نیستیم و برای اینکه عقب ماندگی‌مان را جبران کنیم لازم است دانش نظامی را وارد ایران کنیم. اما پاسخ روحانیون این بود که ما از اسلام واقعی دور افتادیم و عظمت گذشته را مدیون اسلام هستیم. اما نخبگان روشنفکر دلیل عقب ماندگی ما را جهل عمومی مردم و استبداد می‌دانستند. وجه مشترک همه این داستان‌ها امر آموزش است یعنی نخبگان نظامی بر این برآمدند که دانش نظامی را در ایران تقویت کنند.

به همین دلیل است که می‌بینیم پادگان و مراکز آموزش نظامی شکل می‌گیرد و همزمان تکنولوژی نظامی هم وارد می‌شود. روحانیون بر اساس پاسخی که دادند سیستم آموزش سنتی مکتب‌خانه‌ای را پیشنهاد می‌کردند و می‌گفتند مردم ما باید مسلمان باشند و در حوزه‌های علمیه مذهبی دانش باید به روال

آقای ناصرالدین علی تقویان، عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این گفتگو نگاهی به تاریخچه شکل‌گیری ماهیت رشته فلسفه آموزش در ایران و تولیدات علمی آن داشته است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

در ابتدا بفرمایید تاریخچه شکل‌گیری فلسفه آموزش در ایران چیست و اساساً چه تبارشناسی در این حوزه می‌توان ارائه کرد؟

باید این سوال را در ابتدا مطرح کرد که اصولاً علوم تربیتی در ایران چگونه شکل گرفت، به کجا رفته و الان چه تبار و مواردی دارد؟ رشته علوم تربیتی یکی از عرصه‌هایی است که به اصطلاح مدرن شدن جامعه ایران از آنجا شروع شد. تحلیلی لازم است داشته باشیم از اینکه ایرانیان چگونه با پدیده‌های مدرن آشنا شدند. بعد از جنگ‌های ایران و روس که ایران در آن شکست خورد یک پرسش اساسی ذهن نخبگان ایران را به خود مشغول کرد، اینکه ما چرا شکست خوردیم و چرا اساساً در مقابل غرب عقب مانده هستیم.

در جنگ‌های ایران و روس سپاه ایران ۳۰ هزار نفر بود اما روس‌ها دو هزار نفر و مدام ایران در برابر روسیه شکست می‌خورد و در نهایت دو قرارداد بخش‌هایی از ایران جدا شد. این پدیده سیلی بود که نخبگان ایرانی را متوجه خودشان کرد و عمده‌تاً به این پرسش بزرگتر

اشکال دیگری که معمولاً در تولیدات علمی رشته فلسفه آموزش وجود دارد این است که به شدت محافظه کار است؛ یعنی رویکرد انتقادی ندارد و این چیزی که ما در اقتصاد سیاسی می‌بینیم در این رشته نیست. هر چند ما اصلاً تاریخ اقتصاد سیاسی در ایران نداریم. این همه دانشجوی فلسفه آموزش و علوم تربیتی داریم اما نگاه انتقادی ندارند و این رشته بسیار مقهور قدرت است.

ترجمه‌ها نیز از این مساله رنج می‌برند؟

ترجمه‌ها مشکل مضاعفی دارند؛ در این ۱۵ ساله اخیر کسانی وارد ترجمه شدند که نه تنها شناخت درستی از زبان مبدا ندارند، بلکه خوب فارسی نمی‌نویسند و نه انتخاب درستی دارند. ترجمه‌ها در ایران در این حوزه کاربرد خوبی ندارد. در هندوستان دانشگاه‌ها حتی رشته‌های علوم اجتماعی در دانشکده آموزش به معنای عام آن قرار گرفته است یعنی جامعه‌شناسی را آموزش می‌دانند. برعکس اینکه آموزش زیر نظر روانشناسی شده آن جا جامعه‌شناسی هم زیر مجموعه آموزش است.

اما در ایران کنکوری شدن زندگی سر در همین تاریخ دارد. این تست زنی‌ها این بلاها را سر ما آورده است. تاکید مدام روی کمیت کار ما را خراب کرده است. چه معنی دارد در ورودی دکتری سوال تستی بدهند؟! زندگی چهار گزینه‌ای شده و حتی تا پیش دبستانی هم رسیده و از قبل برایش مسیری را تعیین می‌کنند که به رشته‌های مهندسی و پزشکی بروند. از همان جا بچه‌ها را تحت فشار تستی بودن می‌گذارند و این بلاها به سر ما آمده و نظام آموزشی هم در کشور ما به معنای تربیت عام مغفول شده است.

بنابراین افراد باید طوری تربیت شوند که خودشان و جایگاهش را در جامعه و جهان بشناسند و تصویری از خود ارائه دهند. این در حالی است که اصلاً در ایران خودی وجود ندارد. تشکیلات روانشناسی در ایران «خودی» پرورش نداده است و همه این مشکلات را در رشته فلسفه آموزش و علوم تربیتی می‌بینیم.

به دنبال این نگاه، درس‌ها، پژوهش‌ها و کتاب‌ها رنگ و بوی روانشناسی گرفت و دلیل اینکه چرا روانشناسی تکنیک زده و اثبات‌گرایی و رفتارگرایانه مورد اقبال بود به این دلیل بود که گرایش به عظمت ملی اینجا خودش را پیدا کرد و گویی در این حوزه قربایت انتخابی میان رویکردهای روانشناسی تکنیک زده و عظمت ملی پیدا شده است. یعنی گویی همه عوامل کنار هم قرار گرفتند تا علوم تربیتی از ماهیت روانشناسی اجتماعی خودش دور باشد و این به طور کلی در نظام تربیت معلم و علم تربیتی تاثیر گذاشت. بیشتر کتاب‌ها و پژوهش‌های ما فردی و اجتماعی است و به بعد فلسفی و اجتماعی توجهی ندارد و حتی جامعه‌شناسی هم اگر وارد درس‌ها شده، جامعه‌شناسی خشتی و اخته شده است و رویکردی در این دانش ندارد.

اکنون واحدهای درسی علوم تربیتی حجم واحدهای مربوط به علوم تربیتی چندین برابر جامعه‌شناسی است و یا فلسفه خیلی کم است. پایان‌نامه‌ها را در رشته‌های علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی ببینید! اغلب رویکرد کمی و پرسش‌نامه‌ای دارد و نگاه کلی و نگر اجتماعی وجود ندارد.

بنابراین ضعف اصلی و اساسی این رشته روانشناسی زدگی مبتنی بر تکنیک است!

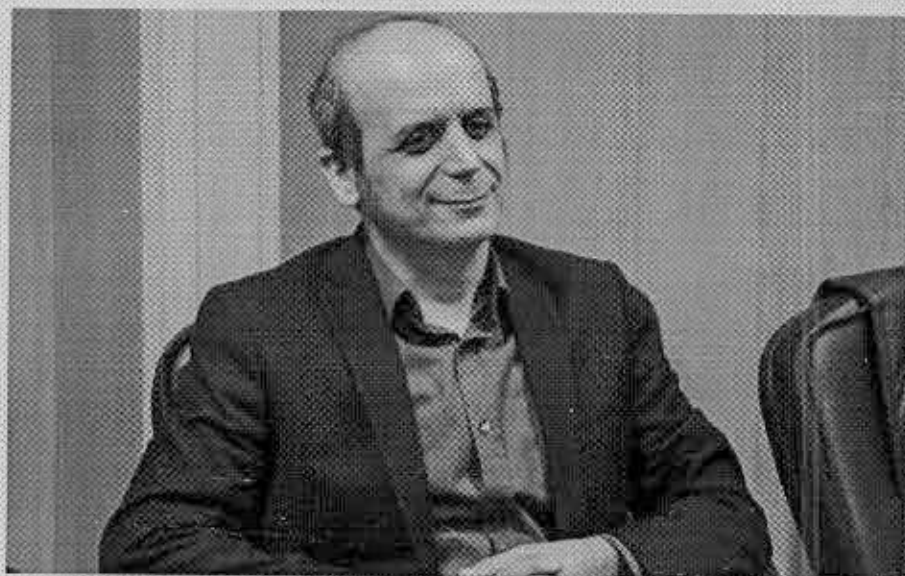
همین طور است. در این سال‌ها برای اینکه این رویکرد عقب‌نشینی کند تلاش‌هایی شده و شواهدی هست ولی خیلی ضعیف است. باز هم همین سیطره نگاه کمی و روانشناسی در فلسفه آموزش دیده می‌شود. رشته فلسفه آموزش در دیارتمان‌های علوم تربیتی رفت و آن هم علوم تربیتی که خودش بخشی از روانشناسی شده بود. در حالی که باید این رابطه برعکس باشد. نگاه‌های فلسفه اجتماع تربیت در دانشگاه‌های تهران نادیده گرفته شد. شما وقتی دروس را می‌بینید رویکرد اجتماعی و فلسفه جامعه‌شناسی در آن وجود ندارد و به تربیت نگاه اجتماعی نمی‌شود. پس اشکال عمده تولیدات علمی در این حوزه نگاه روانشناسی زده و بسیار اخته شده‌ای می‌دانم که به هیچ درد ما نمی‌خورد و رغبت نمی‌کنیم آنها را بخوانیم. در رشته فلسفه آموزش انبوهی پایان‌نامه و مقاله را می‌بینید که هیچ ربطی به متن تربیتی ما ندارد.

نظام نوین آموزشی در مکتب‌خانه‌ها بود و بسیاری از مدارس نوین به تحریک روحانیون تحریم و بسته شد. آنها ملت را تحریک کردند. در همین راستا رشدیه از تبریز قرار کرد و به مشهد رفت. به تعبیر دیگر آموزش نوین در ایران در نتیجه این کشاکش‌ها از اصالت علم و آموزش دور می‌افتد. حال می‌خواهم روی داستان فلسفه آموزش بحث کنم. بخشی از نظام آموزش مدارس عالی دیگری چون مدرسه سیاسی یا دانشسرای تربیت معلم تاسیس می‌شود و این‌ها هم در ادامه زمینه روشنفکری بود.

آنها می‌خواستند این مدارس را تاسیس کنند تا ایده آموزش نوین را گسترش دهند. در خلال کشاکش مدارس و مکتب‌خانه‌ها و مدارس نوین به کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه می‌رسیم. تعلیمات اجباری در این قانون گنجانده می‌شود و تعداد زیادی مکتب‌خانه تاسیس و به جای آن مدرسه ایجاد می‌شود. همزمان ما یک مجوز اعزام دانشجو به خارج را داریم و عمده این دانشجویان در رشته‌های فنی و مهندسی و برخی هم در حقوق هستند و باز می‌بینیم انگیزه اعزام دانشجو به خارج فنی است و اگر حقوق هم هست باز هم از وجه تکنیکی و برای گرداندن چرخ بورکراسی دولت مطرح می‌شود. همان دوره‌ای که دانشسرای تربیت معلم تاسیس شد در اثر آشنایی با ایده‌هایی که در غرب در حوزه روانشناسی تربیتی بود، حتی نگاه اثبات‌گرایی به امر تربیت داشتند و در حوزه جامعه‌شناسی افراد با دورکیم آشنا بودند.

عده‌ای هم در این میان به روانشناسی گرایش پیدا کردند و کسانی هم که می‌خواستند اندیشه تربیتی را وارد کنند از منظر روانشناسی این کار را انجام می‌دادند. به همین دلیل آن روانشناسی هم عمدتاً روانشناسی اثبات‌گرایی و رفتارگرایانه بوده بنابراین به طور کلی علوم تربیتی در ایران زیر نظر دیسپلین روانشناسی و به طور خاص‌تر روانشناسی اثبات‌گرایی و رفتارگرایانه رفت. اکنون شاخص این موضوع به لحاظ نمادین این است که رشته‌های علوم تربیتی ذیل روانشناسی قرار گرفت.

پس می‌توان گفت ذیل این نگاه تولیدات علمی هم به این سو رفت؟



در گفت و گو با عباس کاظمی کتاب‌های جامعه‌شناسی برای فهم زندگی مردم نوشته نمی‌شوند

۴۳۴ مخاطبان اصلی کتاب در هر جامعه‌ای باید مردم آن جامعه باشند. کتاب باید به نیازهای زندگی روزمره مردم جامعه پاسخ بگوید. آیا در جامعه ایران کتاب‌های منتشر شده به نیازی پاسخ می‌دهد؟ عباس کاظمی: هیچ معتقد است که کتاب‌های حوزه جامعه‌شناسی نیازی از جامعه ایران را پاسخ نمی‌دهند، به همین بهانه گفت و گویی با وی داشته‌ایم که در ادامه آمده است.

چرا در حوزه علوم اجتماعی کتاب‌هایی که بر زندگی مردم جامعه تأثیر بگذارد بسیار کم است؟

ارتباط بین کتاب‌های علوم اجتماعی یا جامعه‌شناسی با جامعه و مردم بسیار کم است. ما کمتر کتاب‌هایی را می‌نویسیم که مردم یا حتی علاقه‌مندان به علوم اجتماعی آن‌ها را بخوانند. کتاب‌ها بیشتر جنبه آکادمیک دارند و نوشته می‌شوند که چند تا پژوهشگر آن‌ها را بخوانند یا اینکه نوشته می‌شوند که بیشتر به آن‌ها ارجاع داده شوند. این کتاب‌ها نوشته نمی‌شوند که فهم شوند و بر زندگی مردم تأثیر بگذارند. ما در علوم اجتماعی کمتر کتابی مانند کتاب جامعه‌شناسی آتونی گیدنز داریم که آن را برای مردم عادی نوشته که بر زندگی مردم تأثیر بگذارد.

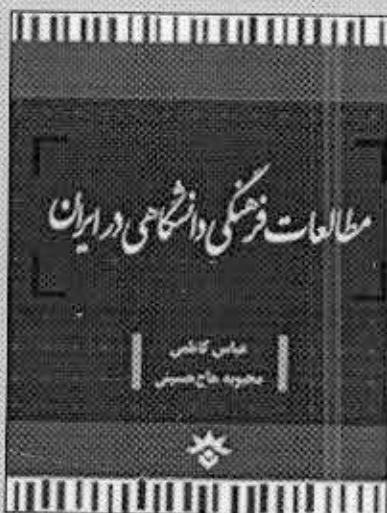
من این را می‌فهمم که در واقع کتاب‌هایی که در این حوزه یا حتی حوزه‌های دیگر نوشته می‌شوند مسئله‌مند نیستند؟

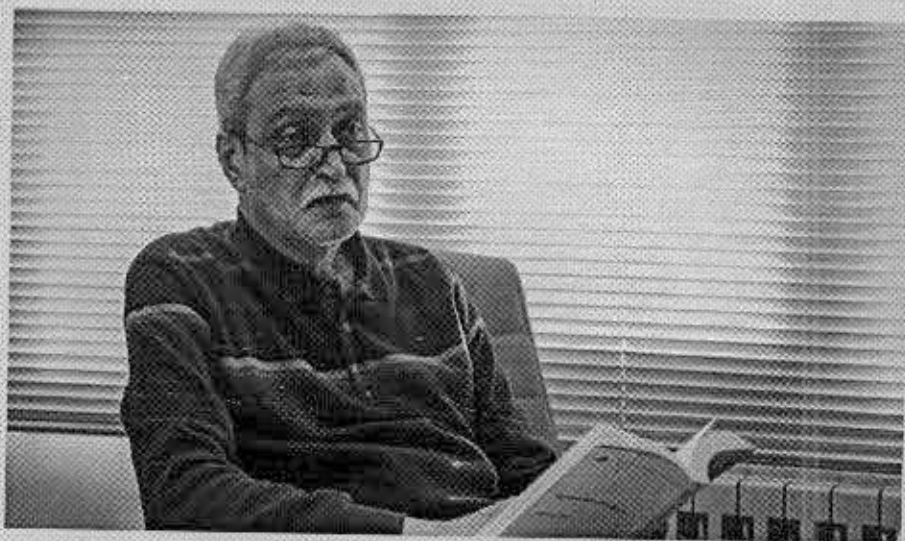
مسئله‌مندی موضوع دیگری است، ممکن است که مسئله‌شان را یک‌جوری دیگر تعریف کنند. ضعف کتاب‌های جامعه‌شناسی این است که این کتاب‌ها بر اساس داده‌های کافی که از دل جامعه ایران باشد نیستند. گاهی اوقات مسئله را تعریف می‌کنیم، اما برای آن مسئله شواهد کافی نمی‌آوریم. یعنی پژوهش کافی انجام نمی‌دهیم. بنابراین ممکن است کتاب مسئله‌مند باشد، یعنی مسئله را تعریف کرده باشد، اما پژوهشگر صرفاً داستانی غیرمستند تعریف کرده باشد.

کتاب‌های حوزه جامعه‌شناسی که رشته تخصصی شماست از چه چیزی رنج می‌برند؟ کتاب‌های جامعه‌شناسی در ایران به دو گونه هستند یا ترجمه‌اند یا تألیفی هستند. در حوزه ترجمه ما مترجم تخصصی جامعه‌شناسی کم داریم. تعدادشان اندک است، اما افراد بسیاری هستند که همه چیز ترجمه می‌کنند، برخی‌ها هم هستند که به صورت فنی ترجمه می‌کنند. به هر حال اوضاع ترجمه خیلی خوب نیست. اما وضع تألیف بدتر از ترجمه است. ما محقق و افرادی که کتاب‌های اصیل ترجمه یا تألیف کنند نداریم. تألیف در ایران یا حالت گردآوری دارد و کار تحقیقی نیست یا از دل تحقیقاتی درآمده که حرف تازه‌ای هم ندارد. کتاب‌های تألیفی با این حال، تعدادشان اندک است و کمتر جامعه‌شناسی علاقه‌مند به تألیف در حوزه ایران است.

منظور این است که تألیفی باشد که از درون تحقیق درآمده باشد؟

بله به این معنا که کتابی را بخواهد بنویسد که بر اساس پژوهش بوده باشد و صرفاً گردآوری از سایر منابع خارجی نباشد. این با آثار تحقیقی که به همان صورت در ایران چاپ می‌شوند فرق می‌کند. برخی از جامعه‌شناسان ما تحقیقاتی را که برای سازمان‌ها انجام می‌دهند به همان معنا چاپ می‌کنند که عمدتاً برای خواننده عمومی سودمند نیستند و البته به درد مطالعه دانشجویان مقاطع پایین هم نمی‌خورد. بگذارید اینگونه بگویم ما در جامعه‌شناسی نویسنده پژوهشگر کم داریم.





در گفت و گو با محمد امین قانع راد نخبه‌پروری به اصلاح ژنتیک منجر نشود

آقای مهاجرت نخبگان یا آنچه طی سال‌های اخیر از آن به «فرار مغزها» یاد می‌شود، یکی از مسائلی است که جامعه ایرانی را به طور عام و جامعه علمی کشور را به طور خاص در دهه‌های اخیر با چالش‌های زیادی روبرو کرده است. آمارهای زیاد و گاه متناقضی از این پدیده اجتماعی منتشر می‌شود اما تاکنون هیچ پژوهش جامعی در پیوند با فرار مغزها انجام نشده است. محمد امین قانع راد عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور اخیراً کتابی با عنوان «نخبگان دانش؛ مشارکت یا مهاجرت» نوشته و در این کتاب معتقد است چرخش نخبگان در دنیای امروز تا حدی امری پذیرفته شده است. اما آنچه مهاجرت نخبگان ایرانی را متمایز می‌کند، نوعی «گریز اجتماعی» است که با ناخشنودی و ناراضی‌های برخی روندها همراه است. این کتاب توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم منتشر شده است.

اساساً دلیل پرداختن شما به موضوع مهاجرت نخبگان آن هم به شکل انتشار کتاب چه بوده است؟ آیا در این رابطه معتقد به یک بحران هستید یا مهاجرت نخبگان را امری طبیعی در روند توسعه علم می‌دانید؟

موضوع تکوین نظام دانش بحثی بوده که ما همیشه زمینه‌ها و بسترهای آن را دنبال می‌کردیم و محدود به انتشار این کتاب نیست. اینکه آیا نظام دانش در کشور در حال شکل‌گیری است یا خیر؟ اگر در حال شکل‌گیری است صفات و ویژگی‌های آن چیست؟

معتقدم صرف اینکه دانشگاه تاسیس شده و کار علمی انجام می‌شود نباید ما را قانع کند؛ باید یک نظام پایش هم داشته باشیم در مورد اینکه بدانیم ویژگی‌های نظام دانش به درستی در حال شکل‌گیری است یا خیر، یا یک نظام متقاض روبرو هستیم. از سویی با افزایش مقالات علمی موسوم به مقالات ISI در مقیاس داخلی و بین‌المللی مواجهیم. روز به روز تعداد این مقالات در حال بیشتر شدن است و با این شرایط باید انتظار داشته باشیم که یک نظام علمی با نهادهای ذی ربط با ساز و کارها و چارچوب‌های مشخص شکل بگیرد. بنابراین این افزایش مقالات می‌تواند یک نشان مثبت باشد، اما از سوی دیگر وقتی به آمارهای جهانی و ملی

و تجربه زیسته خود رجوع می‌کنیم، می‌بینیم موضوع مهاجرت و فرار مغزها با عناوین مختلف از مهاجرت نخبگان گرفته تا فرار مغزها روز به روز در حال افزایش است. برخی خوشبینانه با این پدیده برخورد می‌کنند و اسمش را «چرخش نخبگان» می‌گذارند و معتقدند در شرایط جهانی شدن امروزی، نخبگان در جهان می‌چرخند. از آمریکا می‌روند به کانادا، از کانادا می‌روند به اروپا و حتی در خود کشورهای اروپایی هم چرخش نخبگان داریم و در کشورهای موسوم به کشورهای شمال این اتفاق در حال رخ دادن است و چیز عجیبی نیست. آنها با این استدلال قضیه را توجیه می‌کنند و معتقدند ایران هم نیروی متخصص و سرمایه انسانی تربیت می‌کند و سرمایه انسانی مازاد خود را در شرایط جهانی شدن به دیگر کشورها می‌فرستد. می‌گویند همانند جریان علم و جریان تکنولوژیک، جریان نخبگان هم داریم.

و به نظر شما روند مهاجرت نخبگان ایرانی در این چارچوب تحلیلی نمی‌گنجد؟

گمانم این است، این مهاجرت نخبگان که در کشور شکل می‌گیرد، مهاجرتی نیست که وابسته به شرایط عادی جهانی شدن باشد و قابل مقایسه با جریان نخبگان در اروپا باشد. معتقدم مهاجرت نخبگان از ایران نوعی «گریز» است، اما در اروپا نمی‌شود اسمش را «گریز» گذاشت. شاید بشود گفت یک جابجایی عادی است که برای بهبود شرایط زندگی و تحقیق علمی صورت می‌گیرد تا فرصت‌های اقتصادی بهتری به دست بیاورند؛ این جابجایی همراه با گریز اجتماعی نیست.

ممکن است بگویند همه مهاجرت‌های فشر

تحصیل کرده لزوماً در این چارچوب قرار نمی‌گیرد و افرادی هستند که از کشور خارج می‌شوند اما این حالت ناخشنودی و ناراضی‌های را ندارند و حتی ممکن است بخشی از اینها کسانی باشند که از نظر سیاسی هم با نظام مستقر همدلی کامل داشته باشند، اما باز دست به مهاجرت می‌زنند. این گزاره درستی است زیرا این موارد شامل جابجایی عادی است و احتمالاً برای بالا رفتن سطح تحصیل و سپس بازگشت به کشور و خدمت به جامعه صورت می‌گیرد. متأسفانه شرایط یک مطالعه تجربی خوب در این موضوع برای ما فراهم نشده است تا ببینیم چند درصد بر اثر گریز دست به مهاجرت می‌زنند و چه تعدادی شامل مهاجرت عادی می‌شوند. چند سال پیش پروپوزالی برای این مطالعه در این موضوع ارائه دادم و موافقت صورت نگرفت. اساساً اطلاعاتی که در مورد مهاجرت نخبگان به خارج از کشور داریم اطلاعات دقیقی نیست و در مواردی متناقض است. گفته می‌شود در سال، حدود ۲۰۰ هزار نفر با تحصیلات عالی از کشور خارج می‌شوند که رقم بالایی است و احتمال بازگشت آنها هم در گذر زمان کمتر شده است. در گذشته درصد بیشتری از آنها به کشور بر می‌گشتند اما امروز کمتر شده است. هدف ما در کتاب این بود که این موضوع را برجسته کنیم. ما نباید صرفاً نیروی متخصص را به عنوان سرمایه انسانی تلقی کنیم. البته نظریه غالب در زمینه جابجایی نخبگان این است که آنها سرمایه انسانی هستند که با انجام سرمایه‌گذاری شخصی و دولتی به موقعیتی رسیده‌اند و حالا باید این سرمایه به جامعه برگردد و در بازار کار عرضه شود و سهم خود را در مناسبات اقتصادی به دست بیاورد؛ این یک



نوع محاسبه گری است. در این منطق، نخبگان با خود فکر می کنند در ایران چقدر به آنها حقوق می دهند و اگر جایی حقوق بیشتری بدهد به آنجا مهاجرت می کنند. بنابراین در این رویکرد یک بحث اقتصادی مطرح است و از سالهای ۱۹۶۰ این تئوری سرمایه اجتماعی غالب است. از طرفی اگر می خواهیم مساله مهاجرت را حل کنیم باید به علل و عوامل اقتصادی توجه کنیم.

چه شواهد و قرائنی برای وجود این رویکرد در کشور در مواجهه با نخبگان وجود دارد و آیا می توان استدلال کرد که نگاه ما به نخبگان طی سال های اخیر یک نگاه ابزاری محدود بوده است؟

این نگاه، رویکرد غالب را در تدوین اسناد مربوط به سیاست گذاری برای حفظ و جذب نخبگان در کشور ما طی سال های اخیر بوده است. اسنادی که در کتاب هم ذکر شده است موبد همین مطلب است. مثلاً سند «سیاست ها و راهکارهای کاهش مهاجرت نخبگان» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی یا سند «تمهیل شرایط استفاده بهینه از نخبگان»، «آئین نامه جذب و نگهداری از نیروی انسانی نخبه»، «راهکارهای بهبود وضعیت نخبگان و استعداد های برتر» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی همه و همه گویای نگاه اقتصادی و سرمایه انسانی به نخبگان است. تمام این اسناد که بررسی شده است و از نظر من در داخل تئوری سرمایه انسانی قضیه را تحلیل می کند. بنابراین رویکردی که من اسمش را گذاشته ام رویکرد اقتصاد گرایانه و شغل گرایانه، بر این مصوبات حاکم است. تمام راهکارها برای بهبود وضعیت و حفظ و نگهداری نیروی نخبه صورت می گیرد. نهایتاً به این منتهی می شود که ما شرایط شغلی آنها را تقویت کنیم. این سیاست ها بعد از فرهنگی و سیاسی موضوع را در نظر نگرفته است. تفاوت نگاه من هم با این نظریه غالب این است که مهاجرت نخبگان را نباید صرفاً یک پدیده اقتصادی دید که فکر کنیم اگر بودجه تصویب کردیم و شغلی ایجاد کردیم، نخبگان در کشور می مانند. ما مواردی داشتیم که فرد درآمد و شغل خوبی هم داشته اما سرمایه و کارخانه و املاک خود را زیر قیمت فروخته و دست زن و بچه اش را که غالباً تحصیل کرده هم بودند گرفته و مهاجرت کرده است.

مواردی در این سیاست های به اصطلاح حمایتی دیده می شود که فکر می کنند موثر است؛ مثلاً پرداخت فوق العاده حقوق، افزایش میزان حق التحقیق برای نخبگان یا افزایش میزان حق حضور در جلسات، وام خرید خودرو، ساعت کار شناور و انتصاب به سمت های مدیریتی که البته موثر است، اما بدون در نظر گرفتن رویکردهای فرهنگی و سیاسی بی نتیجه است و بی نتیجه بودن آن طی سال های اخیر اثبات شده است.

فارغ از مسائل اقتصادی که به نظر شما تنها یکی از ابعاد نگاه صحیح به نخبگان است، موثرترین عامل برای حفظ نخبگان در کشور چیست؟

مساله نگاه اقتصادی یکی هم این مورد است که دستگاه های دولتی حتی توان همین حمایت های اقتصادی را هم ندارند. مثلاً در یکی از آئین نامه ها ۱۵۰ هزار تومان افزایش حقوق برای نخبگان پیش بینی شده که به نوعی توهین است. تقلیل دادن نخبگان به کارمندان حقوق بگیر که باید به فاهشان توجه کرد نتیجه همین رویکرد است که به افراد به عنوان انسان اقتصادی نگاه می کنند. انگار که مساله تحصیل کردگان فقط پول و شغل است، در حالی که اینها دغدغه و مسائل دیگری هم دارند و من این را در مفهوم «مشارکت» خلاصه کرده ام. چیزی که نخبگان در زمینه های مختلف دنبال آن هستند مشارکت است. البته مشارکت به طور طبیعی یک بعد اقتصادی هم دارد. آنها تحصیل کرده اند و دوست دارند در شغل و سمت درخوری کار کنند و احساس کنند در سازمانی که کار می کنند مفید هستند و سازمان هم برای کشور مفید است و آنها در حیات سازمان موثرند. نمی شود ما فردی را با درجه علمی بالا استخدام کنیم و در اتاقی مجوس کنیم و بخواهیم مثل یک ابزار با او برخورد کارمندوار داشته باشیم. نخبگان دانش می خواهند در فضای مشارکتی کار کنند. این بحثی نیست که فقط دولت ها در شکل گیری آن نقش داشته باشند. به عنوان مثال اعضای هیات علمی دانشگاه که بیشتر با انجمن های علمی مشارکت داشته باشند کمتر دست به مهاجرت می زنند چون احساس مشارکت اجتماعی دارند. نخبگان صاحبان ایده ای هستند که لزوماً ممکن است علمی نباشد و جنبه فرهنگی باشد. ممکن است فرهنگ اجتماعی و قومی باشد زبان و مذهب و... باشد یا اینکه باورهای شخصی خودشان باشند. علاقه به یک سبک خاص

موسیقی، علاقه به ابعاد فرهنگی ایران و حتی یک کشور دیگر یا فرهنگ جهانی؛ اینها مباحث فرهنگی است که انسانها درگیر آن هستند. اگر من نوعی موسیقی را دوست دارم باید به رسمیت شناخته شود. برای داشتن یک علاقه فرهنگی یا سبک زندگی مشخص نباید تحقیر شوم یا به حاشیه رانده شوم. عملاً در درون سازمان ها و نهادها در انتخاب مدیران و گزینش های دیگر، افراد در جایگاه های مختلف در تمام اینها حساسیت هایی روی افراد وجود دارد و این یک سری از نخبگان را آزار می دهد.

جنبه سیاسی یک بحث جدی و البته حداقلی است. اینکه دانشگاهیان و صاحبان تخصص باید در کشور احساس کنند همان یک رایایی که دارند به حساب می آید و محترم شمرده می شود. نه اینکه فقط در مواقع انتخابات بلکه پس از انتخابات هم محترم شمرده شود. افراد در انتخابات کم و بیش شرکت می کنند. اما غالباً بعد از انتخابات به آنچه انگیزه آنها از حضور پای صندوق رای بوده نمی رسند. این به نحوی محدود کردن مشارکت سیاسی جامعه و دانشگاهیان است. شما زمینه رای گیری را فراهم کردی اما پس از آن برنامه هایی را که دانشگاهیان برای همین رای دادند محدود می کنی. هر چهار سال یکبار به سراغ ما می آیند و کارشان که تمام می شود در خلاء می مانیم و این می شود که از نظر سیاسی اثرگذار نیستیم. فقدان این اثرگذاری سبب می شود افراد به چارچوب سیاسی که در آن زندگی می کنند بی علاقه شوند.

با تمام این مباحث، سوالی که مطرح می شود این است که با وجود همه چالش هایی که شما ذکر کردید اما بسیاری از نخبگان تن به مهاجرت نمی دهند و با پذیرش همه محدودیت ها در کشور می مانند.

ببینید «خانه» همیشه یک مفهوم می است که در ذهن همه ما جایگاه بالایی دارد و چه کسی می فهمد خانه یعنی چه؟ کسی که بی خانمان است، کسی که خانه دارد اما از خانه اش بازمانده است. در نظر بگیرد در سرمای زمستان کلید خانه را گم کرده اند و کسی نیست به شما پناه بدهد. افراد بیمار و بستری در بیمارستان که رنج می کشند آسایش خانه را متوجه می شوند. کشور هم مثل خانه بزرگی است که هیچکس علاقه ندارد به راحتی از آن بگذرد. هنوز که هنوز است شعر مولوی که می گوید «کز نیستان تا سرا بیریده اند در نفیرم مزد و زن نالیده اند»



معتبر است. انسان همیشه میل بازگشت به خانه دارد. اگر با افراد خارج از کشور که سالهاست توانسته‌اند به کشور برگردند یا محدودیتی برای ورود دارند صحبت کنید اشک در چشمتان حلقه می‌زند. حال چه می‌شود که افراد نخبه با این علاقه به کشورشان تصمیم به مهاجرت می‌گیرند؟ البته صرفاً هم مسائل اقتصادی نیست. مردم تصمیمات استراتژیک می‌گیرند. مثلاً فردی را تصور کنید که زن و بچه دارد و بیکار است و می‌رود ژاپن مرده می‌شود و بدبختی می‌کشد نه برای پول به خاطر زن و بچه‌ای که اینجا هستند. به خاطر مناسبات خانوادگی به خاطر عشق به فرزند. پس نگویم به خاطر پول رفت خودش را آواره کرد. من دیده‌ام کارگران افغان را که در ایران بسیار کار می‌کنند در سخت‌ترین شرایط وقتی از آنها سوال می‌کنید می‌گویند در افغانستان زن و بچه دارم و برای آنها کار می‌کنم. وقتی جایی هم فاکتورهای اقتصادی مطرح می‌شود باز انسان اجتماعی است و پول را ابزاری می‌بیند برای رسیدن به اهداف انسانی و اجتماعی خودش. گفته می‌شود که هرچه نیازهای زیستی و خورد و خوراک آدمها تامین شود باز نیازهای رده بالاتری برای آنها زنده می‌شود. در مورد نخبگان دانش که این صادق‌تر است. آنها نیاز به برند شدن در اجتماع و عزت نفس دارند تا احساس تعلق اجتماعی کنند و احساس کنند در جامعه شخصیت دارند و می‌توانند علایق خود را ابراز کنند و شرایط زندگی جمعی برای آنها فراهم شود. این کمبودها در جامعه برای نخبگان وجود دارد. ما سرمایه‌گذاری وسیعی می‌کنیم اما آنها را از دست می‌دهیم نه تنها ضرر اقتصادی و سرمایه‌گذاری است، بلکه از نظر فرهنگی هم خسران است زیرا نخبگان سرمایه فرهنگی کشور هم هستند. با بودن این نخبگان است که می‌توانیم کشوری داشته باشیم و بگویم از نظر فرهنگی این کشور سطح مناسبی دارد و از نظر سیاسی هم یک جامعه فعال و مشارکت‌جو دارد. ما ذخایر انسانی و فرهنگی و سیاسی خود را کاهش می‌دهیم.

در حال حاضر در کشور نهادی تحت عنوان «بنیاد نخبگان» وظیفه شناسایی و ارائه برخی تسهیلات به افراد تحت پوشش را دارد. آیا این ساختار می‌تواند تا حدی پاسخگوی نیازهای نخبگان باشد؟

به طور کل با سیاست‌های نخبه‌پروری مخالفم؛ بنابراین با تشکیل نهادی تحت عنوان «بنیاد

نخبگان» که انسانها را درجه‌بندی می‌کند هم مخالفم. من اگر نخبه‌ام، هستم و اگر نیستم نیستم؛ جامعه خودش نخبگان را تشخیص می‌دهد. اینکه یک نهاد دولتی بیاورد آدمها را طبقه‌بندی کند، معیار بگذارد و بگوید کسی نخبه است یا نیست، طبیعتاً یک سری معیارهای غیر علمی هم دخیل خواهد شد و لزوماً افرادی که شایسته برخورداری از این عنوان هستند ممکن است در عمل به عنوان نخبه شناخته نشوند. قبلاً هم اعلام کرده‌ام با سیاست‌های نخبه‌پرور مخالفم. حتی در روایاتمان داریم که «بنندگان خدا را طبقه‌بندی نکن». آخر این سیستم ممکن است به یک نگاه نژادپرستانه و اصلاح‌طلبانه منجر شود. همین امروز هم می‌بینم افرادی که به آنها عنوان نخبه داده‌ام ممکن است درگیر یک نگاه خودبرتربینی و خودبزرگ بینی شوند. در ارتباط با دیگران با فاصله ارتباط برقرار می‌کنند که ما عضو بنیاد نخبگان هستیم. در کشورهای مختلف دنیا هم این ساختار جایی ندارد. در آمریکا بنیاد نخبگان نداریم در انگلستان و فرانسه هم نداریم تا جایی که می‌دانم فقط در کوبا چنین ساختاری هست و تا حدی هم در شوروی سابق وجود داشت. این یک نهاد ساخته دولت است. حالا نخبگان چه کسانی هستند؟ یا سه مقاله چاپ کرده‌اند یا جایی شاگرد اول شده‌اند، این یعنی نخبه؟ اگر به طور طبیعی اجازه دهیم فضای علمی کار خودش را می‌کند، رده‌بندی خودش را انجام می‌دهد. ما نمی‌گوییم نظام علم نظام رده‌بندی نداشته باشد بلکه معتقدیم این رده‌بندی با بخشنامه و مقاله انجام نمی‌شود. گاهی حتی توهین‌آمیز است چیزهایی که در آئین‌نامه‌ها می‌نویسند. مثلاً می‌خواهیم به دانشیار و استاد احترام بگذاریم

پروژه آنها را ۵ میلیون بالاتر تصویب می‌کنیم. این حرمت به استاد نیست بلکه پولکی کردن مناسبات اجتماعی است و شأن استاد با این مقوله‌ها نباید سنجیده شود. بنیاد نخبگان هم مسائل را کالایی می‌کند. اگر جامعه خودش متکفل مسائل باشد بلد است چگونه عمل کند که منزلتها به معنای واقعی شکل بگیرد. در یکی دو فصل کتاب همین کالایی کردن نظام نخبگان را مطرح کرده‌ام. صرفاً در یک معامله مالی می‌شود مسائل نخبگان را حل کرد؟ خیر آنها نیاز به مسائلی دارند که در چارچوب پول، امکانات و خانه و خودرو نیست. این که نه با شعار حل می‌شود نه با پول، به این دلیل است که نهادهای راهبردی و سیاست‌گذاری باید دقت کنند در سیاست‌گذاری امور نخبگان. جاهایی هم باید مداخله را به حداقل کاهش دهند.

و صحبت پایانی...

باید توجه داشته باشیم یک عامل مهاجرت ممکن است حاد باشد اما عامل اصلی نباشد. این در مورد علت اقتصادی مهاجرت نخبگان هم صادق است. مسائل اقتصادی به دلیل حاد بودن و ملموس بودن گاهی با مسائل اصلی اشتباه گرفته می‌شوند. یک ایرانی به ویژه با درجانی از فرهنگ و دانش و سرمایه علمی و تخصصی خواهان این است که به عنوان یک شهروند در جامعه به رسمیت شناخته شده و محترم شمرده شود. شغل مناسب که جزو بدیهیات است، اما این نیست که شغل را فراهم کنیم و شهروندی معتبر به او ندهیم باید انتظار داشته باشیم تحمل نکند. امروز صحبت از جهان‌وندی هم مطرح است. رفت و آمدها و ارتباطات ساده شده است و چه بسا برخی بگویند می‌رویم. تابوها شکسته شده است و مردم ترسی از مهاجرت و زندگی در کشور غریب ندارند. میزان مسافرتها خارجی ایرانیان براساس آمار در ۱۰ سال اخیر ۸۰ درصد افزایش یافته است. در این شرایط ضریب حساسیت نخبگان دانش و انتظارات آنها هم بیشتر می‌شود. زمانی شاید نخبگان فکر می‌کردند جای زیادی ندارند بروند اما امروز مهاجرت خیلی ساده شده است. دانشجویان ما با چندین دانشگاه و کشور مذاکره می‌کنند و بالاخره از یکی از آنها جواب مثبت می‌گیرند اما اینکه چرا می‌روند بر می‌گردد به همین موضوعاتی که مطرح شد.



انتصاب معاونین «پژوهشی و آموزشی» و «اداری، مالی» پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم



جلسه تودیع و معارفه معاونین محترم پژوهشی و آموزشی و اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم برگزار شد.

در این جلسه حسین میرزایی رئیس این پژوهشکده در احکام جداگانه‌ای دکتر رضا ماحوزی را به سمت سرپرست معاونت پژوهشی و آموزشی پژوهشکده و علی میرزایی را به سمت سرپرست معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشکده و دکتر جبار رحمانی را به سمت مشاور رئیس در حوزه انتشارات منصوب کرد.

در این نشست دکتر حسین میرزایی با مروری بر آنچه در حدود ۲ سال گذشته در پژوهشکده گذشت گفت: دکتر رحمانی در مدت زمانی که به عنوان معاون پژوهشی و همچنین مسئول انتشارات این پژوهشکده فعالیت داشت تحولی هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ فرم و قالبی که یک اثر انتشاراتی باید داشته باشد ایجاد کردند.

میرزایی افزود: دوره‌ای که دکتر رحمانی مسئولیت در پژوهشکده به عهده داشته سابقه درخشانی است و انشالله حوزه انتشارات را با گام‌های بلندتر ادامه دهند.

جبار رحمانی نیز در این نشست با تأکید بر جایگاه پژوهشکده گفت: زمانی که به

معاونت پژوهشی آمدم آقای دکتر نبوی به من توصیه کرد: چندتا کار جدی را برای خودت تعریف کن که زمانی که از اینجا رفتی آنها ماندگار باشند. چند تا کار برای ما در این زمان اساسی بود که یکی از آنها انتشارات، گرنت و سایت بود. تلاش ما این بود که بخشی از آنها را به کمک دوستان به جای خود برسانیم. امیدوارم که دوستان جدید و به ویژه دکتر ماحوزی کاستی‌های ما را برطرف کنند و پژوهشکده را ارتقا بیشتری ببخشند.

رضا ماحوزی نیز در بخشی از این نشست گفت: تصور این است که ما پر یک کشتی سوار هستیم که اگر بخشی کار خود را به خوبی انجام ندهد، بار بر دوش بخش‌های دیگر می‌افتد. بنابراین لازمه بودن در کنار همدیگر به عنوان یک خانواده، این بود که هر یک از افراد آگاهانه جایگاه خودشان را بازشناسی کنند و اگر قرار است نفعی برسد از قبل کلیت به همه می‌رسد و اگر قرار است ضرری هم برسد مسلماً همه ضرر می‌کنند. بنابراین اگر فردی در جایی نقضی می‌بیند آن نقض را متوجه خود ببیند و متوجه باشد که این نقض در درازمدت به زودی به خود او برخواهد گشت. بنابراین باید تلاش کند که به مثابه عضوی از یک سیستم این نقض شناسایی و کمک به برطرف کردن آن کند. وی افزود: این نگاه مدیریت پژوهشکده است

و کلیت نگاه مدیران پژوهشکده در قبل و انشالله در آینده بر این بوده که این سیستم برپا باشد و هر چیزی که هست برای این سیستم است.

ماحوزی در بخش دیگری از سخنانش گفت: اما درباره معاونت پژوهشی باید بگویم که تمام دغدغه و انتظاراتی که از پژوهشکده می‌رود، همواره این موضوع مطرح بوده که چکار کنیم که پژوهشکده به یک جریان فکری تبدیل شود. یعنی اعضای اینجا باید بعد از مدتی حرفی برای گفتن داشته باشند و بگویند که این گزاره نتیجه و تفکر من است. علی میرزایی نیز در بخشی از این نشست با ابراز خوشحالی از اینکه در جمع اساتید و هیئت علمی پژوهشکده هستند گفت: امیدوارم همه دوستان به ارتقای فضای پژوهشکده با ما کمک کنند. چرا که فضاهای علمی و پژوهشی فضاهای خاصی هستند که امیدوارم بتوانیم به این فضا کمک کنیم.

وی افزود: جشنواره فارابی هم که فضایی برای ارتباط بیشتر با تمامی اصحاب علوم انسانی اسلامی است که انشالله برنامه‌های آنجا هم به قوت قبل ادامه پیدا کند و از کمک همه دوستان در این زمینه هم بهره‌مند باشیم.

بازدید مدیر گسترش روابط بین الملل دانشگاه پاریس ۱۳ از پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
Institute for Social and Cultural Studies



در راستای تفاهم نامه امضاء شده میان دانشگاه پاریس ۱۳ و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، پروفیسور علی اسمیدا، مدیر گسترش روابط بین الملل خاورمیانه، شمال آفریقا و آمریکای جنوبی دانشگاه پاریس ۱۳، در نشست هم اندیشی پژوهشکده حضور یافت.

این جلسه در پی حضور و توافق اولیه معاونان این دانشگاه در پژوهشکده و همچنین در ادامه مذاکرات و حضور مسئولان پژوهشکده در دانشگاه پاریس ۱۳ انجام شد و در آن چشم انداز پیش رو و چگونگی تسهیل روندها در مسیر تحقق نخستین مرحله تفاهم نامه بررسی شد.

گفتنی است ۲۵ درصد از دانشجویان دانشگاه پاریس ۱۳ به عنوان یکی از دانشگاه های سوربن سته پاریس جزو دانشجویان بین المللی به شمار می روند. تاکنون توافق نامه های بسیاری بین این دانشگاه و سایر دانشگاه های دنیا به امضا رسیده است.

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی Institute for Social and Cultural Studies



نشست «دیپلماسی علمی - توسعه آموزش عالی؛ فراملی از منظر جذب دانشجوی خارجی»

نشست «دیپلماسی علمی - توسعه آموزش عالی؛ فراملی از منظر جذب دانشجوی خارجی» به همت گروه آینده نگری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ساعت ۱۰ تا ۱۲ با سخنرانی دکتر عبدالحمید علیزاده در محل سالن جلسات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم برگزار شد.

در این نشست علیزاده گفت: عمدتاً فارغ التحصیلان آموزش عالی از انگلیس هستند، به هر حال ما نیازمند ترویج گفتمان بین المللی سازی آموزش عالی هستیم.

وی با اشاره به اهداف بین المللی سازی گفت: مهمترین اهداف بین المللی سازی آموزش عالی ابتدا اینکه نفوذ داشته باشیم، به شکوفایی اقتصاد آموزش عالی کمک شود. علیزاده افزود: بودجه آموزش عالی کشور نوزیلسد یک و نیم میلیارد دلار است که

جذب دانشجوی خارجی است که حتی دانشجویان آمریکا هم دارد. وی با اشاره به ضعف یادگیری زبان فارسی در بین دانشجویان خارجی گفت: سی درصد از اخراجیان دانشجوی به دلیل ضعف در یادگیری زبان فارسی است.

نسبت به کشور ما بسیار بیشتر است. وی با اشاره به رقابتی ما در جذب دانشجوی خارجی در منطقه گفت: دو رقیب ما در جذب دانشجوی خارجی ترکیه و روسیه هستند. اما باید توجه داشت که در بین استان های خودمان کردستان رکورددار جذب دانشجوی شهریه پرداز است. همچنین دانشگاه علوم پزشکی تهران یکی از بهترین دانشگاه ها در



اخبار کنفرانس‌های اعضای هیئت علمی

• دکتر جبار رحمانی در پنجمین کنفرانس بین‌المللی جامعه، فرهنگ، آموزش (۱۵ تا ۱۷ خرداد ۱۳۹۷ / ۵ تا ۷ ژوئن ۲۰۱۸) در فرانسه شرکت و مقاله «تحولات موقعیت زنان در آیین‌های عزاداری محرم» را ارائه کرد.

• آقای دکتر جبار رحمانی در شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی انجمن اروپایی مطالعات دین (۲۷ تا ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۷ تا ۲۱ ژوئن ۲۰۱۸) در سوئیس شرکت و مقاله «دانشگاه و هویت دینی متکثر در ایران» را ارائه کرد.

• آقای دکتر حسین میرزایی در کنفرانس بین‌المللی انجمن جامعه‌شناسی اروپایی؛ شبکه پژوهشی جامعه‌شناسی شهری (۶ تا ۸ تیر ۱۳۹۷ / ۲۷ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۱۸) در مادرید اسپانیا شرکت و مقاله «بازهویت‌یابی شهروندان تهرانی از طریق سرای محله» را ارائه خواهد کرد.

• آقای دکتر عباس کاظمی در دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی تقاطع‌ها در مطالعات فرهنگی (۲۱ تا ۲۴ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۲ تا ۱۵ آگوست ۲۰۱۸) در شانگهای چین شرکت و مقاله «مطالعات فرهنگی ایرانی و هم‌مونی طبقه متوسط شهری» را ارائه خواهد کرد.

• آقای دکتر رضا ماحوزی در بیست و چهارمین کنگره جهانی فلسفه FISP (۲۲ تا ۲۹ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۳ تا ۲۰ آگوست ۲۰۱۸) در پکن چین شرکت و مقاله «ملاحظه انتقادی در باب نظریه آموزش نزد کانت و فیشته» را ارائه خواهد کرد.

• آقای دکتر رضا صمیم در پنجمین کنفرانس بین‌المللی جامعه، فرهنگ، آموزش (۲۰ تا ۲۲ شهریور ۱۳۹۷ / ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸) در دانشگاه وروتسلاو در لهستان شرکت و مقاله «دانشگاه و تولید طبقه متوسط در یک کشور درحال گذار» را ارائه خواهد کرد.

• آقای دکتر رضا ماحوزی در چهارمین کنفرانس بین‌المللی پیشرفت در آموزش و علوم اجتماعی (۲۳ تا ۲۵ مهر ۱۳۹۷ / ۱۵ تا ۱۷ آکبر ۲۰۱۸) در استانبول ترکیه شرکت و مقاله «ملاحظه انتقادی در باب پیشرفت عقل در تاریخ: کانت و نقش آموزش در پیشرفت عقل در تاریخ» را ارائه خواهد کرد.

نشست‌های نقد و بررسی کتاب که در تابستان برگزار خواهند شد:

• نشست نقد و بررسی کتاب «حکایت دانشگاه» اثر حسن محدثی، یکشنبه ۱۰ تیرماه با حضور عباس کاظمی، اسمعیل خلیلی و جبار رحمانی برگزار می‌شود.

• نشست نقد و بررسی کتاب «دانشگاه و چالش‌های دانشگاه ایرانی» ۱۲ تیرماه با حضور نقی آزاد ارمنکی نویسنده، مقصود فراستخواه و ابراهیم توفیق برگزار می‌شود.

• نشست نقد و بررسی کتاب «شاکله‌شناسی» تألیف نصرالله حکمت یکشنبه ۲۴ تیرماه در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم برگزار می‌شود.

• ۱۰ شهریور ماه نشست نقد و بررسی کتاب «دانشگاه: از نردبان تا سایبان» اثر عباس کاظمی با حضور اسمعیل خلیلی برگزار می‌شود.

• در هفته دوم شهریور نشست نقد و بررسی کتاب «یک رویا و دو بستر» اثر خسرو باقری با حضور عماد افروغ برگزار می‌شود.

• ۱۷ شهریور ماه نشست نقد و بررسی کتاب «نظام دانش» اثر ابراهیم توفیق با حضور رضا صمیم و ناصر تقویان برگزار می‌شود.

• ۱۸ شهریور ماه نشست نقد و بررسی کتاب «دانشگاه نخیه، دانشگاه توده» اثر مرتضی مریدها با حضور حمید جاودانی و محمدرضا کلاهی برگزار می‌شود.

• در هفته سوم شهریور ماه نشست نقد و بررسی کتاب «تبارشناسی کلاس درس در ایران» اثر محمد نجاتی حسینی برگزار می‌شود.

• هفته پایانی شهریور ماه کتابهای «دانشگاه، ارتباطات و توسعه ملی در ایران» و «چالش‌های دانشگاه در ایران» تألیف هادی خانیکی با حضور مصطفی معین، جعفر توفیقی، رضا فرجی دانا رونمایی و نقد و بررسی خواهند شد.

اخبار تکمیلی این نشست‌ها در آینده در سایت پژوهشکده بارگذاری خواهد شد.

همایش‌های پیش رو

• پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در نظر دارد با همکاری موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور همایشی را با عنوان «آموزش عالی، علم و فناوری» در سال جاری برگزار کند.

• پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در نظر دارد همایشی را در پاییز سال جاری با عنوان «از مدارس عالی تا تکوین دانشگاه در ایران» برگزار کند.

اخبار واحد آموزش پژوهشکده

پذیرش دانشجوی دکتری در رشته جامعه‌شناسی فرهنگی:

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی بر اساس آیین‌نامه «پذیرش دانشجوی پژوهش محور در دوره تحصیلی دکتری» برای سال تحصیلی ۹۶-۹۷، در رشته جامعه‌شناسی فرهنگی اقدام به پذیرش دانشجو نموده است. در این زمینه جلسه مصاحبه دانشجویان معرفی شده از طرف سازمان سنجش در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۸ و ۹ خردادماه در پژوهشکده برگزار شد.

جلسه دفاع از رساله دکتری دانشجوی پژوهشکده برگزار شد:

• جلسه دفاع از رساله دکتری آقای علیرضا اسماعیلی کلیشیمی دانشجوی دکتری پژوهش‌محور رشته سیاست‌گذاری فرهنگی با عنوان «سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲-۱۳۷۴» در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه در پژوهشکده برگزار شد.

• جلسه دفاع از رساله دکتری آقای مسعود اعتصامی دانشجوی دکتری پژوهش محور رشته علوم سیاسی (اندیشه سیاسی) پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با عنوان «اندیشه سیاسی سیدحسین نصر و تألیف آن برای آموزش عالی» در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه در پژوهشکده برگزار شد.



و جنگی

علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه مقالات به سایت فصلنامه (www.jicr.ir) مراجعه نمایند.



عبارت‌ها:

۱. بررسی ملی جهت ارزیابی کیفیت آموزش مهارت‌های مدیریت از طریق بازی‌های دیجیتال
۲. سبک شیپ‌سازی ساخت‌وساز و مدیریت: مورد مطالعه، آموزش تفکر سیستمی به‌عنوان یکی از مهارت‌های مورد نیاز مدیریت شهری با رویکرد اسلامی - ایرانی از طریق بازی رایانه‌ای سیم‌سیتی
۳. بررسی تأثیر رضایت از بازی بر اثربخشی تبلیغات درون بازی‌های دیجیتال در بین دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی
۴. فردگرایی در بازی‌های تلفن همراه: یک تحلیل نشانه‌شناختی
۵. بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به خرید بازی‌های موبایلی از طریق مدل تحقق انتظارات
۶. شناسایی چالش‌های اجرای بازی‌وارسازی در آموزش‌های سازمانی
۷. بررسی راهکارهای توسعه آموزش‌های فرهنگی از طریق بازی‌های رایانه‌ای با تأکید بر گیمیفیکشن
۸. فراترکیب مطالعات بازی‌های دیجیتال سیاسی

فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران
منتشر کرد

فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، فصلنامه‌ای علمی و پژوهشی است که در حوزه مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگی فعالیت می‌کند. این فصلنامه با هدف کمک به گسترش شناخت از فرهنگ جامعه ایرانی و تحولات آن توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتشار می‌یابد. با توجه به جرخش فرهنگی در حوزه معرفت‌شناسی و علوم اجتماعی، این فصلنامه تلاش می‌کند در حوزه تولید علم در کشور خلاءهای موجود را برطرف کند. این فصلنامه در پایگاه بین‌المللی DOAJ نمایه شده است.

چهل و یکمین شماره فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران (بهار ۱۳۹۷) با موضوع بازی‌های رایانه‌ای منتشر شد.

فهرست موضوعات مقاله‌های این شماره

فراخوان دریافت مقاله فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۳. فرهنگ و افزایش بهره‌وری؛ ۴. فرهنگ و ارتقاء سطح سواد؛ ۵. فرهنگ و ارتقاء خدمات‌رسانی به شهروندان؛ ۶. فرهنگ و افزایش امید به زندگی؛ ۷. فرهنگ و رشد روابطات؛ ۸. فرهنگ و تحول ارزش‌های اساسی؛ ۹. فرهنگ و ملی و آرمان‌های اساسی؛ ۱۰. توسعه فرهنگ؛ ۱۱. هویت و پایداری؛ ۱۲. توسعه پیامدهای فرهنگی؛ ۱۳. توسعه جاذبه‌های فرهنگی؛ ۱۴. توسعه تغییرات ارزشی در ایران؛ ۱۵. فرهنگ و فضای مجازی؛

۱۳. فرهنگ و مکان مراسم آیین‌های دینی مذهبی؛ ۱۴. فرهنگ و زمان مراسم آیین‌های دینی مذهبی؛ ۱۵. فرهنگ و ادبیات آیین‌های دینی و مذهبی؛ ۱۶. فرهنگ و عناصر رایج در آیین‌های دینی و مذهبی؛ ۱۷. فرهنگ و کارکردهای مراسم دینی و مذهبی در ایران؛ ۱۸. زنان و آیین‌های دینی و مذهبی در ایران؛ ۱۹. فرهنگ در تمدن ایران باستان؛ ۲۰. فرهنگ در تمدن اسلام؛ فرهنگ در تمدن ایران اسلامی.

فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، به عنوان فصلنامه علمی، پژوهشی و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آماده پذیرش مقالات علمی پژوهشی با رویکردهای فرهنگی ایران و با هدف ارائه و پیشبرد راهبردهای مناسبی برای حل مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه ایرانی است.

تغییرات فرهنگی و روش‌شناسی فرهنگی
و آینده فرهنگی ایران

۱. مؤلفه‌های مؤثر بر تغییرات فرهنگی؛ ۲. روندهای تغییر در فرهنگ ایران؛ ۳. آینده فرهنگ جهانی در ایران؛ ۴. فرهنگ و دوجوانی شدن؛ ۵. دوفضایی شدن؛ ۶. فرهنگ و ماهواره؛ ۷. فرهنگ و ارتباطات نورس؛ ۸. ارزش‌های مادی و فرمالدی؛ ۹. بنیان‌های تغییرات فرهنگی؛ ۱۰. نشانه‌شناسی فرهنگی؛ ۱۱. فناوری و الگوهای جدید فرهنگی؛ ۱۲. فرهنگ و تغییر نگرش‌های دینی

از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران محترم دعوت می‌شود مقالات خود را به نشانی الکترونیکی فصلنامه (info@jicr.ir) ارسال نمایند.

آموزش عالی و فرهنگ

۱. فرهنگ و دانشگاه ایرانی؛ ۲. سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه؛ ۳. فرهنگ‌های رسمی و غیررسمی در دانشگاه ایرانی؛ ۴. تحلیل فضای فرهنگی در دانشگاه‌ها؛ ۵. دانشگاه فرهنگی؛ ۶. فضای کالبدی و معماری دانشگاه و فرهنگ ایران اسلامی؛ ۷. سبک زندگی دانشجویی و تغییرات فرهنگی؛ ۸. فرهنگ دانشگاهی و تعامل آنها با فرهنگ عمومی؛ ۹. فرهنگ علمی؛ ۱۰. اخلاق علمی؛ ۱۱. دانشگاه و تولید و بازتولید فرهنگ؛ ۱۲. دانشگاه و ارزش‌های فرهنگی؛ ۱۳. دانشگاه و فرهنگ نخبگی؛ ۱۴. تغییرات فرهنگی و دانشگاه؛ ۱۵. دانشگاه و فرهنگ توسعه و پیشرفت؛ ۱۶. دانشگاه و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی؛ ۱۷. دانشگاه و فرهنگ صرفه‌جویی، مصرف، محیط زیست و...؛ ۱۸. خصوصی سازی آموزش عالی و تمایز فرهنگی؛ ۱۹. آموزش عالی برابری و نابرابری فرهنگی؛ ۲۰. بازاری شدن آموزش عالی و کالایی شدن علم؛ ۲۱. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و بهره‌وری فرهنگی؛ ۲۲. عرضه و تقاضای آموزش عالی و مصرف فرهنگی علم

فرهنگ و پیشرفت ایران

۱. فرهنگ و فراصنعتی شدن؛ ۲. فرهنگ و خودکفایی در بازارهای اساسی؛

مسائل فرهنگی ایران

۱. تنجاریهای فرهنگی؛ ۲. بی‌ثباتی فرهنگی و چندرنگی شدن فرهنگ‌ها؛ ۳. اینترنت و شکل‌گیری لایه‌های جدید فرهنگی؛ ۴. غرب‌شدن فرهنگ بومی در میان فرهنگ‌های واردی؛ ۵. ناعنجاری‌های فرهنگی؛ ۶. هویت ملی و فرهنگ؛ ۷. تلخ و گمشدگی فرهنگی؛ ۸. تبدیل و انتقال فرهنگ؛ ۹. الگوهای پویایی فرهنگ بومی؛ ۱۰. فرهنگ و اقوام؛ ۱۱. فرهنگ و نمادهای فرهنگی (کتاب، موسیقی، سینما، مطبوعات، ماهواره، نقاشی و...); ۱۲. لغزش‌های اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۳. فرهنگ و رقابت (چشم و هم‌چشمی)؛ ۱۴. فرهنگ و خلاء فرهنگی؛ ۱۵. فرهنگ و احساس کهنری و عقده‌های حقارت؛ ۱۶. فرهنگ و معیارهای فرهنگی.

فرهنگ و آیین‌های دینی ایران

۱. فرهنگ و مراسم مذهبی؛ ۲. سبک عزاداری‌ها و فرهنگ ایران؛ ۳. فرهنگ و آیین‌های عاشورایی؛ ۴. فرهنگ و نثریه؛ ۵. فرهنگ و موسیقی مذهبی؛ ۶. فرهنگ و عزاداری؛ ۷. فرهنگ و اعیان مذهبی؛ ۸. فرهنگ و مرثیه‌خوانی؛ ۹. فرهنگ و جریان‌شناسی آیین‌های مذهبی؛ ۱۰. فرهنگ و آسیب‌شناسی مراسم مذهبی؛ ۱۱. فرهنگ و شعائر مذهبی؛ ۱۲. فرهنگ



در دانشگاه ساریو برگزار شد:

تقدیر از محقق بوسنیایی برگزیده جشنواره بین‌المللی فارابی

از دکتر «منیر درکیچ» محقق بوسنیایی و نویسنده کتاب «مفهوم چندزبانی در مثنوی» اثر برگزیده جشنواره بین‌المللی فارابی در دانشگاه ساریو تقدیر شد.

ریاست دانشگاه ساریو به پاس قدردانی و حمایت از کتاب «مفهوم چندزبانی در مثنوی» اثر دکتر منیر درکیچ که در سال ۱۳۹۶ حائز جایزه جشنواره بین‌المللی فارابی شد، مراسمی را در محل این دانشگاه برگزار و از مولف این اثر تقدیر نمود.

دکتر رفعت اشکرلی رئیس دانشگاه ساریو طی سخنانی در این مراسم گفت: این جایزه نه تنها تقدیری از ایران‌شناسان در سراسر جهان، بلکه تقدیری از بوسنی و هرزگوین و دانشگاه ساریو برای اهتمامی است که در طول سالیان طولانی به زبان و ادبیات فارسی نشان داده است.

وی در ادامه افزود: جایزه جشنواره بین‌المللی فارابی به ما نشان می‌دهد که راه «قدرت نرم» که علم و فرهنگ مبنای آن را تشکیل می‌دهند، تنها راه معرفی کشور بوسنی به عنوان یک کشور کوچک در عرصه جهانی است و لذا از آقای دکتر منیر درکیچ برای معرفی کشورمان در مجامع علمی بین‌المللی تشکر می‌کنم.

محمود حیدری سفیر کشورمان نیز در دیدار با رئیس دانشگاه ساریو درباره این کتاب گفت: در دوره ای که برخی عناصر ضد دین چهره ای افراطی و غیرواقعی از اسلام

هرچه بیشتر با دیگران به اشتراک بگذاریم و این طریق معنویت و ارزش‌های مشترک الهی و انسانی را تقویت کنیم.

نرمین هوچیچ، معاون بین‌الملل موسسه علمی پژوهشی این سینا نیز در این مراسم گزارشی از اقدامات موسسه این سینا در حمایت و چاپ این اثر ارائه و گفت: بعد از موفقیت کتاب «انسان در آینه تصوف» در دوره سوم جشنواره بین‌المللی فارابی، کتاب حاضر دومین اثر این موسسه است که موفق به دریافت این جایزه بین‌المللی شده است.

کتاب «مفهوم چند زبانی در مثنوی» در اصل بخش عمده‌ای از پایان‌نامه دکترای دکتر منیر درکیچ در دانشگاه ساریو بوده که با همکاری مشترک دانشکده فلسفه دانشگاه ساریو و موسسه علمی و پژوهشی این سینا ساریو منتشر و در سال ۱۳۹۶ از سوی دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فارابی به عنوان پژوهش برتر سال انتخاب شده است.

را به نمایش گذاشته‌اند و خشونت را ترویج می‌کنند، بیان گفتمان‌های معنوی و عرفانی فرصتی برای ارائه اسلام رحمانی است و لذا معرفی مشاهیری چون مولوی، حافظ، شمس و دیگر ادیبانی که معرف اسلام عرفانی و فلسفی هستند گامی در جهت مقابله با اسلام ستیزی در غرب است که باید به آن توجه ویژه‌ای داشت.

حیدری افزود: بیان عرفانی و معنوی شعرای فارسی زبان قومی و فرقه‌ای نیست بلکه سرمایه‌ای جهانی است که باید هرچه بیشتر با دیگران به اشتراک بگذاریم و از این طریق معنویت و ارزش‌های مشترک الهی و انسانی را تقویت کنیم.

وی تأکید کرد: مولوی و حافظ و دیگر شعرای برجسته فارسی زبان، امروز علاقمندان بسیاری میان ادیان مختل دارند و از نقش برجسته‌ای در همزیستی مسالمت‌آمیز در جهان امروز برخوردارند، زیرا بیان آنها قومی و فرقه‌ای نیست بلکه سرمایه‌ای جهانی است که باید

تمدید مهلت ارسال آثار به دهمین جشنواره بین‌المللی فارابی

به موقع برای ثبت آثار اقدام نکنند و اکنون با تماس‌های آنها دبیرخانه تصمیم به تمدید زمان ثبت نام تا پایان خرداد ماه گرفته است. تمامی پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اسلامی تا پایان روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۷ فرصت دارند، آثار خود را شامل گزارش نهایی پژوهش، پایان‌نامه و کتاب که در سه سال گذشته (از ابتدای فروردین ۱۳۹۴ تا پایان اسفند ۱۳۹۶) انجام شده است، در سایت این جشنواره ثبت کنند.

دکتر حسین میرزایی با اعلام خبر تمدید ارسال آثار به دبیرخانه دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی گفت: دبیرخانه دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی به دلیل تماس‌های علاقه‌مندان به ویژه مراکز علمی و ناشران به ثبت و ارسال آثار، یک ماه زمان ثبت اثر در سامانه را تمدید کرده است و این مدت قابل تمدید مجدد نیست.

وی خاطر نشان کرد: تداخل زمان دریافت آثار با تعطیلات نوروزی باعث شد تا علاقه‌مندان





نشست «جشنواره فارابی و تعاملات دانشگاهی در حوزه بین الملل»

نشست «جشنواره فارابی و تعاملات دانشگاهی در حوزه بین الملل» عصر دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه با حضور دکتر عبدالوحید علیزاده مدیرکل امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، حسین میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، دکتر عبدالامیر بسوی دبیر علمی جشنواره فارابی و احمد شناگری در سرای ملل مصلاي امام خميني (ره) برگزار شد.

میرزایی در این نشست درباره ضرورت حمایت از آثار دانشگاهی در عرصه بین المللی توضیحاتی ارائه کرد و گفت: اگر ما ارتباطات بین الملل را به مفهوم ارتباطات ملت‌ها در نظر بگیریم، سطح عملیاتی کار لزوماً ارتباطات بین الدول نخواهد بود و منطقاً باید این مسئله را در سطوح دیگر دنبال کرد. همیشه این ابهام برای من بوده که در ارتباطات بین الملل منظور ارتباط بین دولت‌هاست یا در یک فرایند مدنی و اجتماعی و در سطوح دیگری به دنبال ارتباط بین ملت‌ها هستیم. اگر در این سطوح به دنبال این امر باشیم دانشگاه جزء مجموعه‌هایی است که لاجرم پیش از اینکه به دولت‌ها نزدیک باشد به ملت‌ها نزدیک است. به تعبیری عصاره فرهختگی و اندیشگی جامعه و جوامع مختلف است.

میرزایی در ادامه گفت: بحث تعامل بین الملل یک ضرورت است و حوزه‌های علمی در این امر نقش جدی دارند که جشنواره فارابی هم در همین راستاست که ما بتوانیم از ظرفیت‌های فرهنگی خودمان در بهتر شناساندن ظرفیت‌ها به جامعه جهانی استفاده کنیم.

میرزایی افزود: چنانچه ما در این حوزه آثار استاندارد نداشته باشیم در عرصه بین الملل جایگاهی پیدا نمی‌کنیم و اگر در آثار ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی برای مطالعه به دیگران رجوع کنیم معلوم می‌شود که ما این حوزه را به شوقی گرفته‌ایم. باید توازنی در عرصه ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و غرب‌شناسی داشته باشیم و اساساً برای اینکه دیالوگی بین طرفین برقرار شود باید محصولی برای عرصه وجود داشته باشد.

رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ادامه سخنانش درباره روند رشد علمی ایران در عرصه جهانی توضیح داد: اکنون وضعیت ما آستانه‌ای است و در پیچ تاریخی قرار داریم و به تناسب سیاست‌گذاری‌های در این حوزه وضعیتمان سامان خواهد یافت. البته من معتقدم سیاست‌های موجود برای رشد علمی در عرصه مقالات با

نمی‌شود مگر اینکه به زبان بین المللی کتاب ارائه کنیم.

علیزاده در پایان گفت: مسیر ما طولانی اما سخت است با این وجود ما پتانسیل‌های بین المللی شدن را داریم و سرمایه اصلی ما در این راه نیروی انسانی مسلط است که اگر در قالب بسته‌های تشویقی جذب شود آموزش عالی می‌تواند از مسیر نشر دانشگاهی در فضای بین المللی حضور داشته باشد.

بسوی نیز در بخش دیگری از این نشست به مراحل ورود نشر دانشگاهی به عرصه بین المللی اشاره کرد و گفت: برای حضور در عرصه بین المللی باید به زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ... آثار خود را ارائه کنیم این درحالی است که عمده ناشران دانشگاهی محصولات خود را برای مخاطبان داخلی تولید می‌کنند و شناختی از مخاطبان خارجی و بازارهای بین المللی ندارند.

وی افزود: ما حتی درباره خلیج فارس که درباره آن دعاوی حقوقی داریم توانسته‌ایم کتاب‌های کافی به زبان معتبر بین المللی تولید کنیم. آخرین دستاوردهای ما در آموزش عالی نیز توانسته حضور موثری در عرصه‌های جهانی داشته باشد. چراکه دانشگاه‌ها و ناشران آن علاقه چندانی برای حضور در عرصه بین المللی ندارند. بخشی از این موضوع به دلیل موانعی است که در اسناد بالادستی نسبت به بین المللی شدن آموزش عالی وجود دارد. با این وجود باید تلاش کرد که این موانع را مرتفع کنیم.

علاقه مندان می‌توانند متن کامل این نشست را در سایت جشنواره بین المللی فارابی مطالعه کنند.

استاندار ISI به ذات خود ایرادی ندارد اما مهم این است که در عرصه جهانی به چه میزان به این مقالات ارجاع داده می‌شود. ولسی وجهه کاربردی بودن علوم مهمتر از ISI و صرف تولید مقاله است. رئیس دبیرخانه جشنواره فارابی در بخش پایانی سخنانش اعلام آمادگی کرد تا از میان برگزیدگان نهمین جشنواره فارابی براساس تصمیم کمیته‌ای که تشکیل خواهد شد یک کتاب را برای عرضه در عرصه بین المللی ترجمه کرده و به آن گزنت ترجمه اختصاص دهد.

علیزاده نیز در این نشست با تأکید بر فراهم آوردن زیرساخت‌های انسانی و فیزیکی برای بین المللی‌سازی آموزش عالی ایران گفت: باید اقدامات درستی را برای عرضه محصولات برای عرصه بین المللی تدوین کنیم. ما نیز آمادگی داریم تا بخشی از اعطای بورسیه به متقاضیان این حوزه را منوط به فعالیت آنها در بخش ترجمه آثار بین المللی کنیم. ما سال گذشته به دانشگاه‌ها اعلام کردیم تا ابزار خودشان را برای ارائه در بازار جهانی به همراه بیاورند اما متأسفانه مشاهده کردیم که دانشگاه‌ها ابزارشان که کتاب بود را نتوانستند ارائه کنند.

وی افزود: ما از دانشگاه‌ها خواسته‌ایم که به اسباب بین المللی مسلط شوند و این تسلط نیز در گرو ارائه محصولات در فضای مجازی به زبان بین المللی و حضور در نمایشگاه‌های کتاب خارجی با زبان بین المللی است. ما در نمایشگاه فرانکفورت مشاهده کردیم که چگونه عربستان توانست تمام کتاب‌های دانشگاهی‌اش را به زبان بین المللی ارائه کرده و در این نمایشگاه جولان دهد. ما نیز اگر بخواهیم در این حوزه حضور داشته باشیم باید صبور باشیم و تلاش کنیم تا درآمد حاصل از جذب دانشجویان خارجی را در اقتصاد خود فعال کنیم این مسیر نیز میسر



عنوان: چالش‌های دانشگاه در ایران

نویسنده: هادی خانیکی

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال



عنوان: درآمدی بر سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی

نویسنده: فیروزه اصغری

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال



عنوان: رویای ناتمام

نویسنده: خدیجه کشاورز

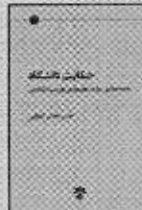
قیمت: ۱۴۵۰۰ ریال



عنوان: حکایت دانشگاه

نویسنده: حسن محدثی

قیمت: ۱۱۰۰۰ ریال



عنوان: دانشگاه گیلان

نویسنده: علی یعقوبی

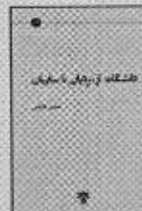
قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال



عنوان: دانشگاه: از زردبان تا ساین

نویسنده: عباس کاظمی

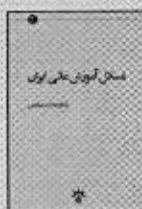
قیمت: ۲۶۰۰۰ ریال



عنوان: مسائل آموزش عالی ایران

نویسنده: غلامرضا ذاکر صالحی

قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال



عنوان: شهروندی و آموزش عالی

نویسنده: آریا متین و ایمان بحیرایی

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال



عنوان: تعاملات فلسفی ایران و یونان

نویسنده: رضا ماحوزی و جمعی از نویسندگان

قیمت: ۷۰۰۰ ریال



عنوان: آموزش عالی و توسعه گردشگری پایدار

نویسنده: ابراهیم صالحی عمران

قیمت: ۲۳۰۰۰ ریال





کتاب‌هایی که در تابستان منتشر خواهد شد

عنوان:	ارتهای زنان به رتبه استادی
نویسنده:	ژاله شادی‌طلب و همکاران
قیمت:	۱۳۶۰۰۰ ریال

عنوان:	مسئولیت اخلاقی دانشگاه
نویسنده:	جمعی از نویسندگان
مترجم:	آریا متین و ایمان بخیزایی
قیمت:	۱۱۰۰۰۰ ریال

عنوان:	آموزش عالی در جهان پیش‌رو
نویسنده:	مارتین ترو
مترجم:	ترجمه آریا متین و ایمان بخیزایی
قیمت:	۱۸۵۰۰۰ ریال

عنوان:	تاریخ دانشگاه در ایران
نویسنده:	مقصود فراستخواه
قیمت:	۲۲۰۰۰۰ ریال